

داغ آزادی

روند شکل‌گیری جمهوری اسلامی

تهیه و تألیف: ایران آزاد



داغ آزادی

روند شکل‌گیری جمهوری اسلامی

تهیه و تألیف: ایران آزاد

وبسایت: www.IraneAzad.org

تلگرام: <https://t.me/iraneAzadChannel>

فهرست

۲ مقدمه
۳ خواسته‌های اصلی انقلاب کنندگان
۳ خواسته‌های نخستین مجاهدین خلق از انقلاب
۸ خواسته‌های نخستین فدائیان از انقلاب
۱۶ متن قطع‌نامه گردهمایی چریک‌های فدایی خلق
۲۷ موضع‌گیری سازمان‌ها و گروه‌ها در مقابل فراندوم «جمهوری اسلامی»
۲۷ موضع‌گیری سازمان فدائیان نسبت به فراندوم
۲۷ موضع‌گیری سازمان مجاهدین نسبت به فراندوم
۲۸ موضع‌گیری حزب توده در مقابل فراندوم
۳۰ مسئله کردستان و ترکمن‌صحرا
۳۰ موضع سازمان فدائیان خلق درباره‌ی وقایع گنبد
۳۲ موضع‌گیری سازمان مجاهدین درباره‌ی اتفاقات گنبد
۳۲ موضع‌گیری حزب توده درباره‌ی وقایع گنبد
۳۳ موضع‌گیری سازمان فدائیان خلق درباره‌ی مسئله کردستان
۳۴ موضع سازمان مجاهدین درباره‌ی وقایع کردستان
۳۵ موضع حزب توده درباره‌ی وقایع کردستان
۳۷ مسئله‌ی آزادی زنان و حجاب اجباری
۳۸ موضع‌گیری سازمان‌ها و احزاب پس از برگزاری فراندوم «جمهوری اسلامی»
۳۸ موضع‌گیری سازمان چریک‌های فدایی خلق در برابر برگزاری فراندوم
۳۸ موضع‌گیری سازمان مجاهدین خلق در برابر برگزاری فراندوم
۳۹ ماهیت حکومت برآمده از انقلاب
۴۲ محتوای حکومت جمهوری اسلامی
۴۳ تحولات اجتماعی حاکمیت، احزاب و گروه‌ها پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی
۴۴ موضع‌گیری سازمان مجاهدین نسبت به مسائل جدید
۴۵ موضع‌گیری دوباره‌ی حزب توده، سازمان فدائیان و مجاهدین نسبت به مسائل جدید مربوط به قومیت‌ها
۴۶ موضع‌گیری سازمانی فدائی در مقابل حوادث گنبد و سنج و کردستان
۴۶ موضع‌گیری سازمان مجاهدین در قبال مسائل اردیبهشت‌ماه، گنبد، سنج، نقده و کردستان
۵۰ موضع‌گیری سازمان فدائیان در مقابل سلب آزادی از مطبوعات
۵۱ موضع‌گیری حزب توده در مقابل توقیف روزنامه‌ی آیندگان
۵۵ موضع‌گیری سازمان فدائیان در مقابل قانون اساسی و انتخابات مجلس خبرگان
۵۷ موضع‌گیری حزب توده ایران در مقابل انتخابات مجلس مؤسسان (خبرگان)

مقدمه

پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و فروپاشی رژیم پادشاهی ایران به دست مردم پاسخ به سؤالات زیر در دستور کار روز نهادها و گروه‌های سیاسی شرکت‌کننده در انقلاب قرار می‌گیرد.

۱. آیا باید رهبری انقلاب توسط خمینی پذیرفته شود؟
۲. آیا مضمون و محتوای تضاد خمینی با دیکتاتوری شاه و آمریکا، انقلابی و با وجه بالنده تاریخ همراه و همگام بوده است؟ آیا ضرب‌المثل «دشمن دشمن ما، دوست ماست» هنوز به قوت خود باقی است؟
۳. آیا برتری کمی نیروهای خمینی و پیروانش در به دست گرفتن رهبری انقلاب، نشانگر حقانیت تاریخی تکاملی این نیروها هم بوده است؟
۴. آیا اکثریت مردم و یا حتی اکثریت مطلق مردم (۹۸ درصد) دچار اشتباه تاریخی میشوند یا نه؟ نمونه‌های تاریخی چنین پدیده‌ای کدام است؟ حمایت اکثریت مطلق مردم از یک تفکر، برای بالنده نشان دادن آن تفکر کافی است؟
۵. آیا افراد و اشخاص و جریان‌های سیاسی که نفی دیکتاتوری شاه را قبول داشتند ولی نیروی برآمده از انقلاب را یک نوزاد سقط شده و ناقص‌الخلقه می‌دانستند و شعار «انقلاب مرد؛ زنده باد انقلاب» را سر می‌دادند، هنوز مورد نکوهش و سرزنش هستند؟
۶. آیا نهادها و سازمان‌های انقلابی برآمده از انقلاب باید در مقابل این رهبری سکوت کرده و یا اعلام مواضع آشکار نمایند؟
۷. کدام گروه یا حزب یا نهاد سیاسی به غیر از امام خمینی توانایی رهبری و سرکردگی پس از انقلاب را می‌تواند داشته باشد (و یا حداقل ادعای آن را)؟
۸. کدام طبقات و اقشار اجتماعی در ادامه انقلاب شریک بوده و یا احتمال حذف شدن دارند؟
۹. ماهیت طبقاتی انقلاب چیست و کدام طبقه، دست بالا را در آینده انقلاب خواهد داشت؟
۱۰. رابطه حکومت جدید با جهان خارج چگونه خواهد بود؟
۱۱. آیا ماشین دولتی در این انقلاب در هم شکسته می‌شود و یا تنها ترمیم‌ها و اصلاحاتی به نفع هیئت حاکمه جدید در آن به وجود می‌آید؟
۱۲. سه خواسته‌ی اصلی توده‌های مردم در این انقلاب (استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی) چگونه باید تحقق یابد؟ (هر چند هیئت حاکمه شعار عدالت اجتماعی را با جمهوری اسلامی تعویض می‌نماید.)
۱۳. قانون اساسی بعدی چگونه باید باشد؟
۱۴. مسئله قومیت‌های ملی و مذهبی چگونه باید حل شود؟
۱۵. ماهیت این انقلاب چیست و ضد انقلاب در مقابل آن چه معنایی پیدا می‌کند؟

علاوه بر پرسش‌های فوق مسائل نظری و تئوریک انقلاب هم باید حل و فصل شود و به این مسائل پاسخ داده شود.

۱. این انقلاب کدام یک از تضادهای طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی را می‌خواهد رفع کند و رفع این تضادها به نفع منافع طبقاتی کدام طبقه صورت می‌گیرد؟
۲. ساختار سیاسی حکومت بعدی چگونه است؟
۳. مسائل فرهنگی جامعه به چه شیوه‌ای می‌خواهد حل شود؟
۴. نحوه برخورد با مسائل هنری و هنرمندان چگونه خواهد بود؟
۵. نیروهای مسلح در آینده چگونه خواهد بود؟

خواسته‌های اصلی انقلاب کنندگان

از همان فرادای انقلاب ۲۲ بهمن، اولین مسئله‌ی مبهم و ضروری که در مقابل نهادها و سازمان‌های انقلابی قرار گرفت، پاسخ به این سؤال بود که «خواست اصلی این توده‌های میلیونی که در این انقلاب شرکت داشتند چیست و چگونه باید به آن پاسخ داد؟» در پاسخ به این پرسش از یک طرف هیئت حاکمه نامرئی به رهبری امام خمینی قرار داشت و طرف دیگر سازمان‌ها و نهادهای انقلابی و شخصیت‌های مستقل و ملی.

روزنامه آیندگان هم منعکس کننده‌ی اطلاعاتی و نظریات دولت انقلابی و هم هیئت حاکمه نامرئی (که بخشی از آن شورای انقلاب بود) می‌باشد و از موضعی لیبرالیستی به انقلاب و نتایج آن می‌پردازد. ما برای تحلیل مسائل وقت و پیگیری اتفاقات رخ داده از این روزنامه مدد گرفته‌ایم.

آیندگان، دوشنبه ۲۳ بهمن ۵۷

بازرگان: به تأسیسات ارتش صدمه نزنید.

رئیس ستاد ارتش با بازرگان همکاری می‌کند.

در این مرحله خواست هیئت حاکمه حفظ ماشین دولتی و جلوگیری از فروپاشی ارتش و استفاده از آن برای روز مبادا است. از نظر بازرگان، انقلاب به معنای دست به دست شدن حکومت و دولت است و نه تغییری انقلابی در محتوای حکومت قبلی. در همین دوران با خواسته‌های دو سازمان انقلابی، یکی مجاهدین خلق و دیگری فداییان خلق مواجه هستیم.

خواسته‌های نخستین مجاهدین خلق از انقلاب

اولین گروه عمده یعنی سازمان مجاهدین خلق، در اولین اطلاعیه خود، خواسته‌های توده‌ها را از نظر خود چنین جمع‌بندی می‌کند.

جنبش خروشان خلق به پیش می‌رود و اینک در چشم انداز تاریخی ما نظمی نوین نمایان شده است. حماسه‌ای که در آن از ظلم و بهره‌کشی خبری نخواهد بود، نظام توحیدی که به دست طبقات رنجبر خلق، به دست منصفان زمان، به دست کارگران و دهقانان و سایر زحمت‌کشان و ستم‌دیدگان بنا خواهد شد. در این

میان ایدئولوژی اسلامی انقلابی ما علاوه بر تجارب تاریخی در سال‌های گذشته نیز و در میدان عمل به وضوح نشان داده است که چگونه توانسته در مبارزه بر ضد ارتجاع، امپریالیسم و استثمار به سلاح برنده‌ای در دست توده‌های مردم تبدیل شود و ما یقین و ایمان داریم که این ایدئولوژی، شایستگی و توانایی خود را در طی تمام مراحل مبارزه و انقلاب تا تحقق یگانگی اجتماعی و استوار نظام خط توحیدی و تارهایی و رستگاری کامل انسان نشان خواهد داد. (۳۰ دی ۵۷)

در واکاوی اطلاعاتی فوق می‌توان موارد زیر را برشمرد.

۱. اطلاعاتی نشان می‌دهد که ماهیت طبقاتی سازمان به طبقات میانی و رو به پایین جامعه تعلق دارد. سازمان شعار «جامعه بی‌طبقه‌ی توحیدی» را از گفتارهای دکتر علی شریعتی و تا حدودی آیت‌الله طالقانی به عاریت گرفته است. البته آن‌ها نیز در آن دوران تحت تأثیر نظریات انقلابی سوسیالیستی جهان به ویژه کوبا و ویتنام بودند و هر انسان انقلابی در آرزوی بهبود زندگی زحمت‌کشان جامعه بود.
۲. سازمان مجاهدین به دلیل مبارزه با شاه و پرداخت هزینه در این راه خود را طلبکار از انقلاب و سازمان را برای رهبری انقلاب سزاوارتر از خمینی میدانند و یا حداقل شریک در قدرت.
۳. سازمان کوشش زیاد دارد تا ایدئولوژی حمایت از زحمت‌کشان را با گفته‌ها و احادیث مذهبی ترکیب نماید. برای حفظ وجه انقلابی خود از اسلامی سخن به میان آورد که پاسخ‌گوی خواسته‌ها و آرمان‌های توده‌های مردم باشند.
۴. نظریات سازمان مانند نظریات تمام سازمان‌های طبقه میانی در نهایت مشابه نظریات سوسیالیست‌ها اتوپیایی خواهد بود که عدالت‌خواهی را مبنا قرار می‌دهند نه تحولات طبقاتی را. مثال‌هایی در این مورد کشیش‌ها و روحانیون امریکای لاتین بودند که سعی می‌کردند به چهره‌ای انقلابی به مسیح بپردازند. این مطلبی است که در گذشته تکرار شده و در آینده هم تکرار خواهد شد.
۵. به علت ابهام و دوگانگی طبقاتی سازمان، این سازمان نمی‌تواند به ماهیت طبقاتی هیئت حاکمه حمله نماید و کار خود را با مبارزه با عوامل ارتجاع به پایان می‌برد که لفظ ارتجاع نیت‌های طبقاتی آن‌ها را پنهان می‌کند.
۶. سازمان به دلیل ایدئولوژی مذهبی خود، راه پراگماتیستی و مصلحت‌گرایانه را در پیش خواهد داشت و سعی می‌نماید که با پیش کشیدن اسلام فاصله خود را از توده‌های مردم مسلمان زیاد نکند. به همین جهت اسلام را ایدئولوژی انقلابی معرفی می‌کند که به کمک آن انقلاب رخ داده و می‌تواند با عصای مذهب و عقاید مذهبی به پیش رود.
۷. شرایط انقلابی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بر محور سوسیالیسم به پیش می‌رفت و امپریالیسم آخرین نقشه‌های میلیتاریستی خود را در جهان می‌کشید به همین جهت تمام نیروهای انقلابی در هر کجای جهان دشمنی به نام امپریالیسم برای خود دارند که مبارزه با آن ضروری و مبرم است. هر چند سازمان مجاهدین نظر خود را درباره تعریف امپریالیسم شفاف و روشن بیان نمی‌کند؛ چون شفاف ساختن این مفهوم در آن زمان لاجرم به طرفداری از اردوگاه شرق می‌انجامید که سازمان از آن بسیار آکراه دارد.
۸. روحیه انقلابی سازمان پیش از این که طبقاتی باشد به روحیه و اشخاص عضو در سازمان ارتباط دارد و چون این افراد در روند انقلابی سال‌های چهل و پنجاه نقش داشته‌اند اکنون می‌توانند از این تجارب انقلابی برای بیان نظریات خود استفاده کنند.
۹. نکته جالب توجه دیگر در این اطلاعاتی نپرداختن به موضوع آزادی و آزادی‌های فردی است و این تضاد و تناقض در اندیشه‌های سازمان امری ثابت و پایرجا خواهد بود. از یک سو تفکرات روشنفکرانه و شرقی سازمان نمی‌تواند با

- آزادی‌های فردی به مخالفت برخیزد و از سوی دیگر حفظ اسلام و شریعت با آن ماینت دارد. سازمان مانند کسی است که پایش در زمین گیر است و دست‌هایش در آسمان به دنبال بهشت موعود می‌گردد.
۱۰. سازمان به دلیل فشار از پایین انقلاب مجبور است که خواست‌های توده‌های مردم را مورد توجه قرار دهد.
۱۱. ماهیت بعدی حکومت به امر مبهم و ناشناخته‌ی «حکومت توحیدی» گره خورده است که در تفکرات مذهبی هر گونه تفسیری از آن می‌توان به عمل آورد.
۱۲. دلیل مبهم بودن ماهیت طبقه‌ی حاکمه در آینده و ملاحظات سیاسی، سازمان از پرداختن به ماهیت طبقاتی هیئت حاکمه بعدی پرهیز می‌کند.
۱۳. می‌پندارد که به دلیل مسلمان بودن توده‌های مردم نباید از مذهب فاصله پیدا کند و در صورت لزوم با نیروهای مذهبی از هر نوع می‌تواند ائتلاف به عمل آورد؛ چرا که به ماهیت طبقاتی این نیروها کاری ندارد.
۱۴. دلیل عدم صراحت در موضع‌گیری طبقاتی روشن، سازمان باید ملغمه‌ای از اقشار اجتماعی مختلف باشد. این مطلب را مبارزات آتی سیاسی در کشور معلوم می‌کند.
۱۵. بر علیه امپریالیسم هم یکی دیگر از اهداف سازمان اعلام می‌شود. البته باید توجه داشت که این هدف بدون اینکه ماهیت و محتوای امپریالیسم تعریف گردد، مطرح می‌شود. چرا که روح زمانه‌ی انقلاب برای هر نیروی دموکراتیکی مبارزه با امپریالیسم را یک وظیفه مبرم می‌شناسد و نیروهای انقلابی تمام جوامع این مبارزه را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. به هر حال در آینده معلوم می‌شود که این سازمان کدام یک از نیروهای کشورهای جهان را پرچم دار مبارزه با امپریالیسم می‌شناسد.
۱۶. نکته‌ی جالب در اعلامیه فوق عدم اشاره به آزادی و آزادی‌های فردی است. در واقع شعار آزادی در انقلاب نادیده گرفته شده است.

آیندگان، سه شنبه ۲۴ بهمن ۵۷

جیمی کارتر: امریکا حاضر است با رهبران انقلابی ایران کار کند.

امریکا آماده‌ی شناسایی حکومت بازرگان شد.

کشورهای بزرگ غرب درباره اوضاع ایران سکوت کرده اند

بعد از کنفرانس گوادولوپ و به پایان رسیدن حکومت پهلوی به کمک ژنرال هایزر در ایران و تقدیم حکومت توسط سپهبد قره‌باغی به امام خمینی، امریکا منتظر است که از حکومت جدید ایران امتیازات لازم را بگیرد. امریکا به هیچ وجه خود را در مقابل دولت بازرگان نمی‌بیند. به طور خلاصه سیاست انفعالی امریکا به رهبری کارتر و حزب دموکرات در مقابل ایران به جدیت دنبال می‌شود.

آیندگان، سه شنبه ۲۴ بهمن ۵۷

نورالدین کیانوری دیروز از آیت الله خمینی ستایش کرده و می‌گوید: مواضع آیت الله مترقیانه هستند. با موضع حزب کمونیست ایران متضاد نیست.

نورالدین کیانوری مهدی بازرگان، نخست وزیر تعیین شده از سوی آیت الله خمینی را يك میهن پرست خوب معرفی کرد.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

پیام آیت الله خمینی به ملت ایران: تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است جمع شود.

باید به این امر توجه داشت که لنین گروه‌های مسلح، مردم و کارگران را تنها ضامن انقلاب و پیشرفت آن می‌داند.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

پیام آیت الله خمینی به کارکنان شرکت نفت: اکنون بحمدالله پیروزی حاصل شده. مقتضی است اعتصاب

خود را بشکنند و بر سر کار خود بروند. اکنون اعتصاب بر خلاف مسیر انقلاب است و شکستن آن موافق

صلاح ملت است.

با حذف اعتصابات یکی از برنده‌ترین سلاح‌های کارگران برای ادامه فشار از پایین، از میان برداشته می‌شود. در واقع بهترین

راه برای حذف نقش سیاسی توده‌ها در حکومت از میان برداشتن فشار از پایین است.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

تهران، خبرگزاری فرانسه: چند هزار تن از کارکنان اعتصابی شرکت نفت اعلام کردند: امروز کار را با بقیه

کشور از سر نخواهند گرفت. این اعتصابیون شرکت نفت می‌خواهند در شورای انقلاب نماینده داشته باشند.

این خواسته‌ها نشان از استقلال جنبش کارگری ایران از نهادهای مذهبی دارد. رشد و آگاهی سیاسی آن‌ها در مرحله‌ای بالاتر

از مبارزات سندیکالیستی می‌باشد ولی تنها نقطه ضعف آن نداشتن حزبی سیاسی است که توان رهبری آن‌ها را داشته باشد.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

سرمقاله: کارگران از طریق سندیکا، راه دست اعتراض کردن را می‌آموزند. شکست پیشین تشکیلات

کارگری، تجربه‌ای است که باید در ساخت سندیکاهای تازه به کار گرفته شود.

اگر آیندگان را نماینده‌ی جریان‌های مستقل و لیبرال جامعه بدانیم، این سرمقاله نشان می‌دهد که چگونه عناصر میانی و

مترقی و مستقل جامعه چشم امید خود را به حرکت طبقه کارگر دوخته‌اند و مبارزه آینده بین جریان‌هایی خواهد بود که

می‌خواهند این حرکت را متوقف و یا کند نمایند. مبارزه برای تشکیل سندیکای واقعی کارگری در دستور روز است.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

سرمقاله: نباید اجازه داد انقلاب در مراحل رشد خود به انحصار طبقه‌ای خاص در آید.

برای کسانی که از هوش و فراست و آینده‌نگری برخوردار می‌باشند، در پشت دیوارهای انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران،

اردوگاه نیروهای واپس‌گرایی پیداست که به جمع‌آوری نیرو برای قلع و قمع نیروهای مردمی انقلاب هستند. نیروهای

واپس‌گرایی که سر از دخمه تاریک تاریخ جزم‌گرایی بیرون آورده‌اند. بوی این خفاشان تاریک نشین مشام هر آزاده‌ای را

می‌آزارد.

نشانه‌های انحصارطلبی از همه طرف هیئت حاکمه به چشم می‌خورد و این روند با شدت بیشتری ادامه دارد چون رهبر انقلاب خود را مافوق و ماوراء نیروهای سیاسی می‌بیند و تصمیمات فردی او از هیچ فیلتری نمی‌گذرند و همه لازم‌الاجرا می‌باشند. این مطلب علاوه بر انحصار سیاسی برای حلقه هیئت حاکمه از استبداد فردی هم حکایت دارد.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

سرمقاله: بعد از رژیم استبداد، دشمن بعدی انقلاب مردم ایران، فرصت طلبانی هستند که این روزها همچون قارچ از زمین می‌رویند و دنبال کلاهی از این نمدهستند.

ترکیب طبقاتی انقلاب و رهبری التقاطی طیف‌های مختلف و نداشتن برنامه برای انقلاب ملی و دموکراتیک بی‌شک خلل و فرج بسیار برای نفوذ نیروهای حاشیه‌ای در انقلاب فراهم می‌آورد. این نیروهای حاشیه‌ای بالتبع مانند تمام انقلابات ضدکارگری و مدافع سرمایه‌داری می‌باشند. تنها زمانی انقلاب می‌توانست ایمن باقی بماند که طبقه‌ی کارگر و حزب و نمایندگان کارگران بتوانند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شرکت داشته باشند که در این مرحله چنین چشم‌اندازی متصور نیست. سیمای مذهبی انقلاب ایران مهمترین مقرر برای عرض اندام فرصت‌طلبان و در نهایت ضدانقلابیون خواهد شد.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

کسانی که انقلاب را فقط در چارچوب اهداف طبقه خود می‌پذیرند، از دشمنان انقلاب هستند.

در صحت این نظریه که برای تمام انقلابات صادق است شکی وجود ندارد و ایران آزمایشگاه چنین حرکت تاریخی‌ای است. انحصارطلبی از ارکان و صورت این انقلاب است.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

گفتگو با جواد مجابی: نه، استبداد دیگری نمی‌تواند جایگزین استبداد دو هزار و پانصد ساله شود.

روشنفکرانی که به نیروی انقلاب اعتقاد دارند می‌توانند تصور یک حکومت دیکتاتوری دیگر را نکنند. این روشنفکران فاصله‌ای بین خودشان و توده‌های مردم نمی‌بینند و چون در جریان انقلاب شرکت داشته‌اند فکر نمی‌کنند که شاید به سادگی از صفحه ساسی کشور حذف شوند. این روشنفکران مستقل و دموکرات فقط علائم خطر را دریافت می‌کنند ولی از محتوای آن بی‌خبر می‌باشند. هر چند به خاطر هوشمندی اجتماعی خود باید به زودی و به درستی از کم و کیف ماجرا باخبر شوند.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

این خطاست که انقلابیونی را که در جنبش ایران شرکت داشتند به دو گروه مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کنیم.

روشنفکران ایرانی برای گفتمان درباره‌ی وحدت نیروهای شرکت کننده در انقلاب به تجربه‌ی انقلاب مشروطیت چشم دوخته‌اند که در آن نیروهای مذهبی و ملی در زیر یک پرچم وحدت پیدا کرده بودند و آن هم مبارزه با استبداد بود. ولی اکنون این دسته‌بندی از طرف هیئت حاکمه با هدف حذف نیروهای چپ می‌باشد.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

آقای بازرگان! انقلاب کجا و این انتصابات کجا!؟

زنگ خطر برای روشنفکران به صدا در آمده است. هیئت حاکمه در جهت حفظ ماشین دولتی قدیم حرکت می نماید.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

سانسور به شکل دیگری در رادیو و تلویزیون

قطب زاده: تلویزیون متعلق به افراد مسلمان است.

هیئت حاکمه با هوشیاری کامل رادیو و تلویزیون را به صورت کاملاً انحصاری در اختیار گرفته و از آن برای تبلیغ سرکوب عقاید آزادی خواهانه و دگراندیشان استفاده به عمل خواهد آورد. از این پس رادیو و تلویزیون قلب رژیم و زبان آن است.

آیندگان، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۵۷

نامه سرگشاده دکتر امیر معینی به مهدی بازرگان: انتصابات اخیر، خطری برای نهضت و انقلاب است.

چریک های فدایی: سازمان مجاهدین خلق را جزء رادیکال ترین مبارزان می دانیم.

روحیه انقلابی اعضای سازمان فداییان راه درست را در نزدیکی و همبستگی با سایر گروه های انقلابی می داند و آینده باید نشان دهد که این روند همبستگی و نزدیکی به کجا ختم می شود.

خواسته های نخستین فداییان از انقلاب

چریک های فدایی خلق هنوز نمی توانند یک برنامه برای آنچه که باید انجام دهند ارائه کنند و در عین حال به دلیل روحیه انقلابی اعضای آن به دنبال پیگیری خواسته های مردم هستند و به ویژه از آن جهت که روح سوسیالیسم در سازمان آن ها وجود دارد مطالبات کارگری آن ها پررنگ است.

سندیکاها را به وجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم.

آشنایی ضمنی با نظریات لنینیستی به آن ها می گوید که نباید در مبارزات سندیکالیسم متوقف شد.

آیا سیاست وزیر جدید کار ادامه سیاست وزیران کار گذشته نیست؟

سازمان متوجه سیاست مزورانه هیئت حاکمه در حفظ ماشین دولتی قدیمی می باشد.

نابود باد حاکمیت امپریالیسم و نوکرانش، برقرار باد حاکمیت خلق

فداییان خلق امپریالیسم را از دریچه چشم جنگ های آزادی بخش ویتنام می بیند و هنوز تحلیل درستی از چگونگی حضور آن در گذشته ایران و آینده ندارد و جنبه شعاری خواسته ها بیشتر مورد عنایت است.

درک نادرست بعضی از رهبران ارتش ضد خلقی، جنبش را تهدید می کند

در این جا سازمان درست در نقطه مقابل نظریات هیئت حاکمه در مورد حفظ ماشین دولتی قدیمی است.

سانسور مطبوعات محکوم است

اولین تیرهای ترکش هیئت حاکمه برای حذف آزادی‌ها بعد از ده روز از انقلاب بر تن سازمان نشست است. سازمان دارد متوجه می‌شود که هیئت حاکمه آزادی فردی و سیاسی را مورد هدف قرار داده است.

کارگران خواستار شرکت مستقیم در تصمیم‌گیری سیاسی شدند

این خواسته هم درست در نقطه مقابل هیئت حاکمه است که خواستار شکستن اعتصابات و رفتن به سر کار کارگران است.

دهقانان: زمین‌های از دست رفته را پس می‌گیریم

این شعاری کاملاً توخالی است که بعد از اصلاحات ارضی هیچ معنایی ندارد مگر در مواردی جزئی.

کمیته‌های امام در بعضی از کارخانجات از کارفرما حمایت می‌کنند

سازمان فداییان هنوز به ماهیت طبقاتی هیئت حاکمه جدید پی نبرده است و متوجه نیست که کمیته‌های امام در به خفقان کشیدن خواسته‌های مردمی چه نقش بزرگی دارند.

به دلیل انقلابی بودن اعضای سازمان فداییان خواسته‌های احقاق حقوق کارگران و کشاورزان مطرح می‌باشد و به دلیل تیزهوشی انقلابی اعضای سازمان بوی تشکیلات ضد مردمی امنیتی و لشگری را به خوبی درک کرده است. سازمان با غریزه انقلابی خود متوجه است که به کمک فشار از پایین انقلاب، راهی برای پیشبرد انقلاب وجود دارد و به ویژه به حرکت مستقل کارگران و دوری جستن آن‌ها از شعارهای مذهبی چشم امید دارند و تلاش دارند تا حرکت کارگران را از برزخ سندیکالیسم عبور دهند.

اما سازمان به دلیل جوانی و کمبود وقت هیچ برنامه مدونی برای آینده طرح نمی‌کند و بدین جهت دچار روزمرگی سیاسی شده و به دنبال حرکت‌های اجتماعی است که می‌تواند آخر الامر به انفعال سیاسی بیانجامد. سازمان تشخیص درستی از ماهیت هیئت حاکمه ندارد به همین جهت ممکن است در آینده به بلا تکلیفی سیاسی در مقابل هیئت حاکمه منجر شود. موضع خطرناک دیگر، خلاصه کردن ضدانقلاب به نهادها و سازمان‌های رژیم گذشته است و سازمان متوجه رشد نیروهای ضدانقلاب در عرصه‌های دیگر نیست.

سازمان به دلیل ماهیت طبقاتی میانی خود مانند سازمان مجاهدین با اندیشه‌های سیوسیال اتوپیایی آغشته است و بدون برآورد نیروهای خودی و هیئت حاکمه شعارهایی را مطرح می‌سازد که در بلند مدت امکان تحقق آن‌ها را ندارد. سازمان آن چه را که خوب است و به حال توده‌های مردم مفید است را می‌خواهد و تعقیب می‌کند ولی خواستن توانستن نیست. در هر سه اعلامیه سازمان به دلیل شم انقلابی اعضای، خواستار انهدام ماشین دولتی قبلی می‌شوند. در حالی که هیئت حاکمه در جهت احیاء و زنده کردن آن قدم برمی‌دارد و حداکثر ممکن است سازمان‌های موازی با آن خلق نماید (سازمان‌های امنیتی جدید). دلیل این خواسته سازمان و همچنین سازمان مجاهدین، کودتای ۲۸ مرداد و نظریات امنیتی در این باره می‌باشد.

از همان آغاز آوریل ۱۸۷۱، با وجود اینکه مارکس اخبار و اطلاعات بسیار جزئی و ناقص از حوادثی داشت که پایتخت فرانسه را به لرزه در آورده بود، توانست محتوای اصلی مبارزه قهرمانانه کارگران پاریسی را درک کند و بفهمد که آن مبارزه «در حقیقت تلاشی است برای در هم شکستن ماشین دولت بورژوازی نظامی و بوروکراتیک» (نامه کارل مارکس به کگلیمان).

«فکر اینکه طبقه پرولتاریا باید ماشین دولتی را خرد کند و این خود شرط لازم پیروزی انقلابی است که به تمام معنا توده‌ای باشد، دارای اهمیت عظیمی برای مبارزه رهایی بخش پرولتری چه از نظر تئوری و چه عملی بود.» (دولت و انقلاب)

کارل مارکس در کتاب جنگ داخلی در فرانسه می‌نویسد «پرولترهای مشتعل از آتش تنها یک وظیفه اجتماعی جدید دارند که بایستی برای تمام جامعه انجام دهند - و آن همانا برانداختن طبقات و سلطه طبقات است. - مردم می‌دانند که می‌توانند ابزار این سلطه طبقاتی یعنی دولت را در هم بشکنند و این قدرت حکومتی متمرکز و متشکل را که به جای این که خدمتگزار جامعه باشد به غصب ارباب آن شده است، در هم خرد کنند.»

تاریخ مختصر کمون نشان می‌دهد خراب کردن ماشین دولتی بورژوازی اساساً به دو عمل مهم محدود می‌شود. «بر هم زدن ارتش دائمی و پلیس» و یا به قول لنین «این افواج خاص مردان مسلح» که نیروی واقعی سرکوب و آزار طبقه پرولتاریا هستند، و سپس «خرد کردن دستگاه کهنه بروکراتیک و هیئت کهنه کارمندان آن در تمامی شاخه‌هایش». این دو طبقه در انقلاب بهمن ماه به کلی معطل و متروک میماند و عواقب آن در سال‌های بعد روشن خواهد شد.

آیندگان، یکشنبه ۲۹ بهمن

امریکا از ترس گروه‌های چپ با بازرگان همکاری می‌کند.

اعتصاب‌ها پایان یافت. مردم به سر کارها بازگشتند.

علی میرفطروس «مبارزان را خلع سلاح نکنیم. انقلاب‌های ناکام و ناتمام به ما می‌آموزند فریب عقب

نشینی‌های تاکتیکی ارتجاع را نخوریم.

با پایان یافتن اعتصابات، برنده‌ترین سلاح توده‌ها از دست آن‌ها گرفته می‌شود. ترس از چپ موجب مودت بین بورژوازی ملی و امریکا خواهد شد. با پایان یافتن اعتصابات فشار از پایین انقلاب فروکش خواهد کرد و دست هیئت حاکمه را برای اهداف آن باز می‌گذارد. چپ اشتباه می‌کند اگر فکر کند دوباره می‌شود توده‌ها را به خیابان آورد و از نیروی آن‌ها بر علیه ارتجاع استفاده کرد.

آیندگان، دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

بازرگان: در همه پرسى فقط يك سوال مطرح می‌شود. به جای سلطنت جمهوری اسلامی می‌خواهید؟

این رفتارندوم به مردم می‌گوید که چه کسی به تنهایی فرمانرواست و برای اسلامی بودن حکومت مجوز قانونی تهیه خواهد کرد و قوانین اسلام و شریعت را بر زندگی مردم حاکم خواهد ساخت. واژه‌ی «جمهوری اسلامی» یعنی پایان انقلاب ۵۷.

آیندگان، دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

جبهه ملی: همه‌ی نیروها باید در دولت موقت شرکت داده شوند.

جبهه ملی هنوز متوجه نیست که روند انقلاب به کجا می‌رود و خودش از اولین حذف شدگان خواهد بود.

آیندگان، دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

جبهه ملی: از سازمان مجاهدین، فداییان خلق، جنبش دانشگاهیان و کانون نویسندگان باید برای شرکت در دولت دعوت شود.

این درخواست‌ها از ماهیت انقلاب دموکراتیک و ملی بود که در فراندوم به نفع جمهوری اسلامی حذف می‌شود.

آیندگان، دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

راه پیمایی هواداران چریک‌های فدایی خلق در خیابان‌های تبریز

آذربایجان، تبریز مهد زایش چریک‌های فدایی خلق است. نیروی مردمی عظیم در پشت سر این سازمان قرار دارد ولی آیا این سازمان قدرت بسیج و سازماندهی این نیروها را دارد؟ عده‌ای به طنز گفته‌اند که «سازمان مانند دایناسوری عظیم با مغزی کوچک است.»

آیندگان، دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

ایران با اسرائیل قطع روابط کرد

آیت‌الله شریعتمداری: تمام گروه‌های سیاسی می‌توانند در اداره مملکت سهیم باشند. دلیل منطقی برای جدایی خواهی و خودمختاری وجود ندارد.
جبهه ملی: همه نیروها باید در دول موقع شرکت داده شوند.

آیت‌الله شریعتمداری متوجه دو موضوع اساسی است که انقلاب و هیئت حاکمه و مردم با آن روبرو می‌باشند.

۱. حفظ جنبه دموکراتیک انقلاب

۲. مسئله‌ی قومیت‌ها که وارد دستور روز می‌شود.

مواضع ایشان به جبهه ملی نزدیکی بسیار دارد.

آیندگان، سه شنبه ۱ اسفند ۵۷

آیت‌الله طالقانی: تحمل نمی‌کنیم استبداد جایش را به استبداد دیگری بدهد.

آیت‌الله طالقانی به عنوان پدر معنوی سازمان مجاهدین به خوبی از نیات امام خمینی باخبر است و نگرانی او درباره آینده انقلاب بی‌دلیل نیست.

آیندگان، سه شنبه ۱ اسفند ۵۷

معاون نخست‌وزیر: اعلام استقلال کردستان فقط يك شائبه است.

این‌ها دسیسه‌هایی است که حکومت انقلابی را متزلزل کند.

دولت محدودیتی برای قلم و بیان قائل نیست.

مسئله کردستان به مسئله‌ی روز انقلاب تبدیل می‌شود و مسئله‌ی حقوق سایر قومیت‌ها هم بی‌تردید مطرح خواهد شد. در این جا حکومت خود را پشت درهای تجزیه‌طلبی مخفی می‌کند تا در صورت لزوم سلاح سرکوب را به دست گیرد.

آیندگان، سه شنبه ۱ اسفند ۵۷

آیت‌الله خمینی: تکلیف ملت را در برابر توطئه‌های اشرار معلوم می‌کنیم

حرف آخر از خمینی زده می‌شود. مشت آهنین جواب تمام خواسته‌هاست.

آیندگان، سه شنبه ۱ اسفند ۵۷

سرلشکر قرنی: از فرماندهان ارتش ملی اطاعت کنید.

حفظ ماشین دولتی کهنه و قدیمی به ویژه در زمینه‌های امنیتی و نظامی از اولویت‌های هیئت حاکمه است.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

پیام آیت‌الله خمینی: کتاب‌های درسی را از مطالب استعماری تسویه کنید.

کتاب‌های درسی هیچ متولی و مدافعی جز وزارت آموزش و پرورش ندارد و وزیر مربوطه خود جزو گردانندگان همین هیئت حاکمه است. عکس‌العمل روشنفکران در مقابل تغییرات در کتاب‌های درسی خط مشی بلند مدت رژیم را در امور فرهنگی و سرنوشت آموزشی دانش‌آموزان روشن خواهد کرد. ولی آنچه مسلم است این است که هر چه به مذاق فرهنگی هیئت حاکمه خوش نیاید با برچسب استعماری بودن از میان برداشته خواهد شد.

آیندگان، سه شنبه ۳ اسفند ۵۷

دفتر تعلیمات امام خمینی: راه پیمایی فردا از سوی کمونیست‌هاست.

باید چپ‌های ایران معنا و مفهوم این پیام را به خوبی درک کرده باشند.

آیندگان، سه شنبه ۳ اسفند ۵۷

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد؛ از اهداف این سپاه: این سازمان با هدف پاسداری از دست‌آوردهای گران قدر نهضت انقلابی ملت ایران تأسیس و شروع به کار نموده است.

در این اطلاعیه هیچ واژه‌ای درباره حفظ و حراست از کشور ایران و مرزهای آن به میان نیامده است و تکلیف ملی‌گرایی روشن است.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

امیرانتظام: شورای جمهوری اسلامی يك شورای مخفی است.

سخنگوی دولت به دولت نامرئی و همه‌کاره اعتراف می‌کند.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

در کردستان مشکل وحشت آوری نداریم.

همان‌طور که می‌دانید اطلاع رسید که در کردستان مشکلاتی است. به همین دلیل آقای داریوش فروهر به منطقه رفت. ایشان این خبر را که به آن صورت باعث وحشت شده بود تکذیب کردند. البته مشکلاتی هست.

بالاخره مسئله‌ی قومیت‌ها سر باز می‌کند.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

امیرانتظام: همان‌طور که اطلاع دارید به وسیله‌ی اطلاعیه از مردم تقاضای راه‌پیمایی شده بود. از طرف امام خمینی دستور داده شد که از این راه‌پیمایی جلوگیری شود. به دلیلی اینکه موقع ساختن و کار کردن است. دولت برای جلوگیری از راه‌پیمایی‌ها به قوه‌ی قهریه متوسل نمی‌شود.

بین دولت موقت و دولت نامرئی حاکم بر کشور فاصله بسیار زیاد است.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

خواست هشت ماده‌ای خلق کرد در مهاباد خوانده شد.

۱. خلق کرد همراه و همگام با سایر خلق‌های ایران انقلاب ایران را تأیید می‌کند و تصمیم دارد با تحکیم پیوند مبارزاتی با سایر خلق‌های ایران در ایجاد جامعه‌ی آزاد و آباد آیند نقش اساسی ایفا کند.
۲. خلق کرد خواهان تأمین حق تعیین سرنوشت خود به صورت «فدراتیو» در چارچوب کشور ایران می‌باشد و هر گونه اتهام تجزیه‌طلبی را رد می‌کند و از دولت‌های مهندس بازرگان می‌خواهد که موضع خود را در مقابل این خواست ما رسماً اعلام نماید.
۳. ما برآنیم که زحمت‌کشان ایران سهم اساسی در انقلاب ایران ادا کرده‌اند. به همین جهت حق مسلم زحمت‌کشان و کارگران و دهقانان است که در دولت انقلابی شرکت داشته باشند.
۴. کردستان ایران ضمن دارا بودن منابع دست نخورده فراوان یکی از عقب‌افتاده‌ترین مناطق ایران است. بنابراین رفع ستم اقتصادی یکی از خواسته‌های اساسی است.
۵. همه پادگان‌ها در کردستان باید تحت نظر شوراهای انقلابی اداره شود. بدین منظور کمیته مشترک نظامی از افسران میهن‌پرست نمایندگان شوراهای انقلابی تشکیل گردد.
۶. افسران جنایتکار که دستور تیراندازی داده و موجب شهادت فرزندان خلق شده‌اند باید تحویل دادگاه انقلابی خلق گردند و به منظور تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلق باید ارتش از عناصر ضدانقلابی تصفیه گردد.
۷. نمایندگان حاضر که نمایندگان شهرستان‌های کردنشین هستند، اعلام می‌دارند که حضرت آیت‌الله سیدعزالدین حسینی صلاحیت دارند رأس هر هیئتی قرار گیرند که از طرف خلق کرد با دولت مرکزی مذاکره نمایند و دستگاه رهبری انقلاب و دولت موقت را از مذاکره و تماس با عناصر ارتجاعی کرد برحذر میدارند.
۸. از آنجا که ملامصطفی بارزانی و گروه معروف به «قیاده موقت» عمال سازمان سیای آمریکا و ساواک ایران و «میت» ترکیه بوده‌اند و می‌باشند و مورد نفرت تمام خلق کرد هستند. لذا از دولت انقلابی می‌خواهیم هر نوع ارتباط و تماس

با این دارو دسته قطع گردد و رهبران خائن آنها از ایران اخراج شوند، بدون آنکه این سیاست به وضعیت خانواده‌های پناهنده بی بضاعت لطمه ای وارد آورد.

در این اطلاعات خواست‌های دموکراتیک و غیرعملی هم مطرح شده است. مثل اداره‌ی پادگان‌ها به وسیله‌ی شوراهای انقلابی و علاوه بر این خلق کرد شناخت درستی از رهبری انقلاب و کابینه نامرئی آن ندارند و نمی‌دانند چه کسانی در پشت پرده تصمیم می‌گیرند و همین دولت نامرئی است که می‌تواند خون‌ریزی‌های بزرگ به وجود آورد. ثانیاً مسئله ملامصطفی به این سادگی قابل حل نیست ولی به هر حال گروه‌های انقلابی و ضدانقلابی بسیاری می‌توانند در کردستان متولد شوند و داعیه رهبری خلق کرد را داشته باشند ولی آن چه مسلم است هیچ یک از این خواسته‌ها به ویژه فدرالیسم هرگز مورد موافقت حکومت مرکزی واقع نخواهد شد.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

مصاحبه بازرگان با نیوزویک:

- عکس‌العمل شما نسبت به حمله به سفارت امریکا چه بود؟
- من خیلی متأسفم. بسیار متأسفم از آنچه اتفاق افتاد.
- آیا شما قصد دارید کوشش‌هایی در راه بهبود روابط ایران و ایالات متحده به عمل آورد؟
- ما روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و دوست داریم روابط دوستانه را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ نماییم.
- شما برای برقراری نظم در ایران تصمیم دارید چه اقداماتی را انجام دهید؟
- امشب تصمیم داریم تشکیل یک گارد ملی را اعلام کنیم و ما سرگرم استخدام و سازمان دادن چندین هزار نفر هستیم.
- چریک‌های دست چپی فدایی تا چه حد اهمیت دارند؟
- در حال حاضر ما نمی‌دانیم فداییان چه کسانی هستند و افکار و یا برنامه‌ی آنها چیست.
- آیا فداییان اجازه خواهند داشت در دولت جدید نقشی داشته باشند؟
- اگر چنانچه آنها حزبی تشکیل دهند که مشی آن روشن باشد ما هیچ گونه مخالفتی با آنها نخواهیم داشت. آنها می‌توانند انتقاد کنند و در انتخابات شرکت کنند. ولی اگر آنها بخواهند نظم را به هم بزنند، آنها را متوقف خواهیم کرد.
- آیا حزب توده بار دیگر اجازه فعالیت خواهد داشت؟
- هویت حزب توده بنابر قوانین موجود غیرقانونی است. ما باید از این قوانین اطاعت کنیم.
- آیا شما از اعدام چهار ژنرال توسط دادگاه اسلامی خبر داشتند؟
- در اصل من با این اعدام‌ها مخالفتی ندارم و ما آنها را تأیید کردیم. مردم خوشحال شدند. اثر مثبتی بر روی آنها داشته است. به عنوان یک شهروند معمولی از آن خوشحالم ولی به عنوان رئیس دولت این اقدام از طرف افراد مافوق من انجام گرفت.
- در فراندومی که در نظر دارید آیا مردم اجازه خواهند داشت نوع حکومت را انتخاب کنند؟

– سؤال این است به جای نظام پادشاهی خواستار جمهوری دموکراتیک اسلامی هستید؟ بله یا نه؟

در این مصاحبه بازرگان چه طور مستقل و چه نماینده هیئت حاکمه دشمنی و بی‌اعتمادی خود را به نیروهای چپ نشان می‌دهد. بازرگان در فکر ایجاد نهادهای امنیتی جدید است. او هیچ نگاه منفی به امریکا ندارد و به دلیل اعدام‌ها مجبور می‌شود که به دولت نامرئی مافوق دولت موقت اشاره نماید که استراتژی‌های اصلی رژیم را معلوم می‌سازد. بازرگان به علت تعلق داشتن به طبقه متوسط میانی جامعه و سخنگوی آن بودن در موضوع حکومت جمهوری و دموکراتیک را پیش می‌کشد که با دولت نامرئی همخوانی ندارد.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

نزیه، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت نفت: عنوان «جمهوری اسلامی» می‌تواند کافی باشد.

باید توجه داشت که نزیه وابسته به نهضت آزادی و از دوستان بسیار نزدیک بازرگان است.

آیندگان، پنجشنبه ۳ اسفند ۵۷

یورش به گردهمایی فرهنگیان جبهه ملی

به نظر می‌رسد که آینده‌ی جبهه ملی هم رقم زده شده است.

آیندگان، سه شنبه ۵ اسفند ۵۷

آیت الله العظمی شریعتمداری: لازم نیست همه پرسى به دو شکل محدود شود، از مردم سوال کنید چه نوع

حکومتی میخواهید

وجه اختلاف نظریات امام خمینی و شریعتمداری کاملاً هویداست.

آیندگان، سه شنبه ۵ اسفند ۵۷

جمعیتی که خبرگزاری‌ها آن را بیش از ۱۵۰ هزار تن تخمین زده‌اند، زیر باران قطع‌نامه گردهمایی دیروز

چریک‌های فدایی را در دانشگاه تهران گوش دادند.

قطع‌نامه گردهمایی چریک‌های فدایی خلق: رهبری امام خمینی و آیت الله طالقانی را گرامی می‌داریم.

خبرنگاران آیندگان گزارش می‌دهند: در بحبوحه قرائت پیام دانشجویان پیشگام، گروه کوچکی مرکب از

چند صد نفر از ضلع شرقی زمین چمن به راه افتادند که شعار «حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله» را

می‌دادند.

در متن قطع‌نامه آمده است: بدون اعتصاب کارگران شرکت نفت این انقلاب امکان‌پذیر نبود.

هدف واقعی این انقلاب محو کامل سلطه امپریالیسم و رژیم وابسته به آن است. نوسازی فریادهای

ضدمردمی رژیم سابق انقلاب را در میانه راه باز می‌دارد و آن را به مسیری سازش‌کارانه سوق می‌دهد.

متن قطع‌نامه گردهمایی چریک‌های فدایی خلق

۱. محو کامل سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و رژیم وابسته با آن است.
 ۲. هم طبقات و اقشار خلق که با صفوف یکپارچه خود انقلاب را به پیش برده‌اند باید در ادامه شرکت داده شوند. شوراها و کارخانجات باید برای ادامه آن‌ها تشکیل شود.
 ۳. ما خواهان يك اصلاحات ارضی واقعی و دموکراتیک هستیم.
 ۴. انحلال و تغییرات اساسی در ارتش
 ۵. تشکیل ارتش خلق از تمام نیروهایی که در انقلاب شرکت داشته‌اند.
 ۶. ایجاد دستگاه نوین اداری
 ۷. خواستار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برای همه اقشار و احزاب و افراد می‌باشیم. باید سانسور از میان برود.
 ۸. خواستار تساوی کامل حقوق زنان و مردان در جامعه می‌باشیم.
 ۹. حق خلق‌های ایران در انتخاب شیوه‌ی زندگی خود.
- در پایان تاکید می‌کنیم کوشش‌هایی در جهت احیاء ارتش و دستگاه‌های بروکراتیک سابق در جریان است. ماهیت ارتش ضد خلقی را نمی‌توان با تعویض فرماندهان و تغییر نام دگرگون ساخت.
- این خواسته‌های ملی و دموکراتیک جهت احقاق حقوق ملت ایران به ویژه زحمت‌کشان از طرف هیئت حاکمه نامرئی کشنده تلقی خواهد شد. نکته اساسی دیگر در این خواسته‌ها درهم شکستن ماشین دولتی کهنه است که یک خواست لنینیستی اساسی می‌باشد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس

از قول اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق که با خبرنگاران مصاحله کردند: حزب آن‌ها يك جنبش مستقل، ملت‌گرای مارکسیستی است و به حزب کمونیست توده ایران که گرایش به مسکو دارد، وابستگی ندارد.

این مرزبندی با حزب توده هنوز از بقایای نظریات بیژن جزنی می‌باشد و از نظر سازمان حزب توده ایران فاقد مشروعیت انقلابی و ملی است و آن را حزبی رویونیست می‌داند.

آیندگان، ۶ اسفند ۵۷

مجاهدین خلق: انقلاب ما ناقص است، آقای بازرگان اگر مسئله ارتش حل نشود، شما مسئول تمام کشتارهای آینده هستید.

انقلاب ما ناتمام خواهند ماند مگر اینکه:

۱. نظام ارتش منحل شود.
۲. هیچ تضییق سیاسی و نظامی برای انقلابیون قدیمی به وجود نیاید.

۳. دادگاه خلق در محاکمات علنی مفسدان را به جزا برساند.

۴. انتصاب‌ها با نظر شوراهای مردمی صورت گیرد.

سازمان مجاهدین بنا بر رویه انقلابی اعضای آن خواستار در هم شکستن ماشین دولتی کهنه هستند که از نظر هیئت حاکمه امری ناممکن است. سایر خواسته‌های سازمان که از جریان‌های درون انقلاب سرچشمه گرفته از مرز انقلاب دموکراتیک و ملی فراتر می‌رود.

آیندگان، ۶ اسفند ۵۷

امیرانظام: دولت نقشی در سانسور رادیو و تلویزیون ندارد. تردید نداریم که کارکنان صنایع نفت به محض تصمیم دولت صدور نفت را آغاز می‌کنند.

فقدان قدرت در دولت بازرگان در موضوع رادیو و تلویزیون معلوم است و بالعکس؛ دولت نامرئی نشان می‌دهد که همه کاره است. با جدا کردن کارگران از بدنه انقلاب راه را برای مسدود کردن فشار از پایین نیروهای انقلابی فراهم می‌آورند.

مواضع آیندگان چیست؟

۱. حقوق بشر، حق آزادی بیان و اندیشه

۲. در آیندگان می‌کوشیم به عنوان یک روزنامه مستقل ملی در انعکاس اخبار از بی‌طرف بودن منحرف نشویم.

۳. ما درباره حکومت‌کنندگان حاضر نیستیم اگر کارنامه‌ای در برابر ملت ایران نشان نداده‌اند قضاوت کنیم.

مخاطب و جایگاه این خواسته‌ها طبقات و اقشار میانی و روشنفکران مستقل می‌باشند.

بدین ترتیب پانزده روز بعد از پیروزی انقلاب و استراتژی سیاست خارجی دولت نامرئی جمهوری اسلامی پایه‌گذاری شد.

آیندگان، دوشنبه ۷ اسفند ۵۷

آیت‌الله‌العظمی خمینی در ملاقات سفیر شوروی: کسانی که در امور داخلی ما مداخله کنند مبارزه می‌کنیم.

ایرانیان مقیم شوروی به ایران بازمی‌گردند.

چریک‌های فدایی خلق: نه پیکار ما سیاسی خواهد بود نه مسلحانه؛ ما معتقدیم بعد از سرنگونی رژیم سابق و

دولت‌های وابسته به آن حکومتی که در ایران استوان می‌ماند از مردم ریشه گرفته و حکومتی خلقی است. با

این حکومت مبارزه مسلحانه نخواهیم کرد و اگر دولت یا حکومتی مخالف منافع مردم عمل کند به مبارزه

سیاسی با آن دولت با حکومت اکتفا خواهیم کرد.

نکات زیر حائز اهمیت است.

۱. از کجا معلوم است که حکومت جدید ریشه‌ی مردمی دارد؟

۲. رگه‌های مصالحه کار در سازمان وجود دارد که به این سادگی چنین امتیاز بزرگی در مقابل حکومتی که ماهیت آن

مجهول است می‌دهد.

۳. سخنگوی سازمان رویه استبدادی حکومت نامرئی را نادیده گرفته است.

نامه از دفتر امام خمینی

لغو قانون حمایت از خانواده اعلام می‌شود.

اولین گام بعد از ۱۵ روز پس از پیروزی انقلاب با به بند کشیدن زنان آغاز می‌شود. امری که بسیار زودتر از آنچه تصور می‌شد شروع گردید. اولین ضربه به آزادی زنان در تصمیم‌گیری برای تشکیل خانواده.

نامه معلمان به کمیته امام

تفتیش عقاید در مدرسه‌ها جایز نیست.

آموزگاران به زودی متوجه حذف حق آزادی بیان در جامعه می‌شوند.

آیندگان، چهارشنبه ۹ اسفند ۵۷

پیش نویس قانون اساسی تسلیم رهبری انقلاب شد.

وزیر اطلاعات: دربرگیرنده قوانین آزادی اسلامی و انسانی است

کم کم منیت‌ها آشکار می‌شود. واژه «آزادی اسلامی» به جای آزادی مرزهای آزادی عقیده و بیان را آشکار می‌سازد.

آیندگان، چهارشنبه ۹ اسفند ۵۷

وزیر آموزش و پرورش: بحث‌های سیاسی در مدارس آزاد است. تعطیلات نوروز ۳ روز شد.

آیندگان: پنجشنبه ۱۰ اسفند ۵۷

بازرگان: با ادامه مزاحمت کمیته‌ها، دولت قادر به کار نیست. اشخاصی که ما می‌فرستیم بازداشت می‌کنند.

دولت بازرگان فاقد قدرت سیاسی و اداری است. بازرگان به خوبی می‌داند بازیچه دست دولت نامرئی است.

آیندگان: پنجشنبه ۱۰ اسفند ۵۷

هیئت اعزامی به کردستان: مسئله کردستان عمیق است ولی خطرناک نیست.

داریوش فروهر: مجلس مؤسسان درباره خود مختاری کردستان تصمیم می‌گیرد

تظاهرات کردها در مریوان به خشونت گرائید

مسئله قومیت‌ها از نظر دولت نامرئی در هیئت حاکمه راه حل ندارد. داریوش فروهر هنوز در خواب خرگوشی قانون‌مداری و تشکیل مجلس مؤسسان ملی است. جبهه ملی و هواداران آن روند سیاسی مملکت را نمی‌توانند به درستی بررسی کنند و از ماهیت هیئت حاکمه نامرئی بی‌خبر می‌باشند. سرکوب ابزار قدرتمند هیئت حاکمه از طرف امام خمینی است.

آیندگان: پنجشنبه ۱۰ اسفند ۵۷

ناصر پاکدامن: نگران انقلاب باشیم

شخصیت‌های مستقل و ملی بوهای ناخوشایندی را درباره آینده‌ی انقلاب استشمام می‌کنند.

آیندگان، شنبه ۱۲ اسفند ۵۷

آیت الله خمینی: وزارت تازه مستقل از دولت عمل خواهد کرد.

وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می‌شود.

در همین جا دادن امتیازات ویژه به روحانیونیت برای عملکردهای مختلف شروع می‌شود.

آیندگان، شنبه ۱۳ اسفند ۵۷

دادستان کل تعیین شد: مهدی هادوی

آیندگان، دوشنبه ۱۴ اسفند ۵۷

آیت الله العظمی خمینی: مردم حق تعرض به روزنامه‌ها را ندارند. روزنامه‌نگاران باید در جهت پیشبرد

انقلاب اسلامی قدم بردارند.

راستای حرکت مطبوعات در آینده معلوم شد. در جهت حفظ اسلام و سخنی از آزادی مطبوعات نیست.

آیندگان، سه شنبه ۱۵ اسفند ۵۷

یک هشدار در اجتماع عظیم سیاسی بر مزار مصدق. یک میلیون نفر دیروز بر مزار مصدق گرد آمدند.

طالقانی: در شرایطی بدتر از ۲۸ مرداد هستیم. این دولت ایده آل من هم نیست اما ایده غیر از واقعیات است.

مصالحه‌کاری طبقه متوسط و نمایندگان آن با فروکش کردن شور انقلابی شدت خواهد یافت. این مصالحه‌کاری در سازمان‌های انقلابی برآمدیافته از انقلاب هم رشد می‌کند.

آیندگان، سه شنبه ۱۵ اسفند ۵۷

بنی صدر: حکومت فدرال عملی نیست.

نامه حزب دموکرات کردستان به آیت‌الله العظمی خمینی

باید توجه داشته باشید که دست آوردهای انقلاب را نمی‌توان در اختیار گروهی گذاشت. واقعیت این است

که در ایران خلق‌های ستم‌دیده بیش از نصف جمعیت را تشکیل می‌دهند. رفع ستم ملی از خلق‌ها برخلاف

آنچه عده‌ای از دشمنان مردم ادعا می‌کنند تجزیه‌طلبی نیست.

حزب دموکرات کردستان هم مانند سایر گروه‌ها و احزاب سوراخ دعای رهبری را گم کرده است.

آیندگان، چهارشنبه ۱۶ اسفند ۵۷

در جبهه ملی شکاف افتاد. جبهه ملی متهم به عدم رعایت اصول دموکراتیک و دنباله روی از حوادث شد.

جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران از جبهه ملی جدا شد.
امیرانتظام: دولت مطلقاً محدودیتی برای مطبوعات قائل نیست.
بنی صدر فقط نظریات خودش را مطرح می‌کند.

جبهه ملی که با پیوستن سنجابی به خمینی و پذیرفتن نخست‌وزیری از طرف شاپور بختیار، اعتبار سیاسی خود را به طور کامل از دست داده بود، بالتبع می‌بایستی با چنین بحران‌هایی روبرو می‌شد.
حرف‌های انتظام حرف بازرگان و دولت موقت است. در حالی که دولت نامرئی تکلیف را روشن می‌سازد و این به خوبی ناتوانی دولت موقت را نشان می‌دهد.

آیندگان، چهارشنبه ۱۶ اسفند ۵۷

تحصن کارگران در وزارت کار

هنوز بخشی از طبقه کارگر می‌خواهد به کمک تحصن و اعتراض حق خود را بگیرد.

آیندگان، چهارشنبه ۱۶ اسفند ۵۷

چریک‌های فدایی به عنوان اعتراض نسبت به حمله ناآگاهانه گروهی به دانش‌آموزان پسر که برای بزرگداشت دکتر مصدق گرد هم آمده بودند اعتراض کردند.

کم‌کم هیئت حاکمه نامرئی تکلیف خود را با سازمان‌های انقلابی از جمله فداییان روشن می‌کند.

آیندگان، چهارشنبه ۱۶ اسفند ۵۷

دکتر قاسملو: خودمختاری برای گُرد، دموکراسی برای ایران

کردستان آبستن حوادث بزرگ است.

آیندگان، چهارشنبه ۱۶ اسفند ۵۷

مسعود رجوی بر مزار دکتر مصدق موافقت خود با جمهوری اسلامی را اعلام داشت و در عین حال گفت:
سوء استفاده ارتجاعی از نام اسلام را تحمل نخواهیم کرد.

سیاست مصلحت‌گرایانه و پراگماتیسم مجاهدین به تناقض لاینحل منجر می‌شود. سازمان مجاهدین همیشه می‌باید در بین مرزهای ارتجاع و ترقی‌خواهی نوسان کند. سیاست «نه سیخ بسوزد نه کباب» مورد استقبال هیئت حاکمه و خمینی در حال حاضر است.

آیندگان، پنج‌شنبه ۱۷ اسفند ۵۷

امروز مراسم روز جهان زن در دانشگاه تهران برپا می‌شود.

زنان خواهان از میان رفتن نابرابری هستند.

آیندگان، پنجشنبه ۱۹ اسفند ۵۷

تظاهرات زنان به خشونت کشانده شد.

مقابله هیئت حاکمه با آزادی و حقوق زنان از همه جوانب پیداست.

آیندگان، یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷

طالقانی: نمی‌خواهیم بگوییم زنان به ادارات نروند.

دادگستری صحنه تظاهرات زنان شد.

بیانیه چریک‌های فدایی: کسانی که به زنان توهین می‌کنند باید به شدت مجازات شوند.

جاج سید جوادی: خانم‌ها خودشان باید درباره‌ی حجاب تصمیم بگیرند. اسلام و قرآن و مراجع دینی می‌خواهند زنان ما شخصیتشان حفظ شود.

بالاخره مسئله زنان و حجاب از پرده بیرون آمد و نظر هیئت حاکمه درباره آن روشن شد.

آیندگان، یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷

تظاهرات و راه‌پیمایی ده‌ها هزار عرب ایرانی در آبادان

ده‌ها هزار عرب ایرانی در استان نفت‌خیز خوزستان به تظاهرات پرداختند و خواستار هویت قومی و امتیازهایی در زمینه‌های مدارس، مطبوعات و زندگی سیاسی منطقه شدند.

علاوه بر مسئله زنان و حجاب مسئله قومیت‌ها هم با شدت و سرعت وارد عرصه‌ی سیاسی کشور می‌شود.

آیندگان، دوشنبه ۲۱ اسفند ۵۷

آیت‌الله شریعتمداری: بهتر است مردم بگویند چه نوع حکومتی می‌خواهند.

دکتر مفتاح: در همه‌پرسی هیچ محدودیتی وجود نخواهد داشت. مردم می‌توانند به هر نوع جمهوری رأی بدهند. در همه‌پرسی انتخاب هر یک از روش‌های حکومتی زیر آزاد است؛ جمهوری اسلامی، جمهوری،

جمهوری دموکراتیک، جمهوری دموکراتیک خلق، رژیم سلطنتی.

هنوز امواج انقلاب از پایین فرو ننشسته است و هیئت حاکمه توان اظهارنظرهای ضدمردمی را به صورت آشکار ندارد و از همه مهم‌تر صاحب‌نظران از نظریات هیئت حاکمه نامرئی به خوبی مطلع نیستند.

آیندگان، دوشنبه ۲۱ اسفند ۵۷

بازرگان رئیس دولت موقت: حجاب خانم‌ها الزامی نیست.

از طرف زنان حقوق‌دان: تحمیل حجاب اجباری پایان یافته است.

این نظرات بدون توجه به نظریات خمینی ارائه می‌شود که سکان‌دار اصلی حکومت و حکومت نامرئی است.

آیندگان، دوشنبه ۲۱ اسفند ۵۷

آیت‌الله خمینی: از گفتار مردم نمی‌ترسم؛ هر کس هر چه دارد بگوید.

آیندگان، سه شنبه ۲۲ اسفند ۵۷

داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی: زنان از حقوق و مزایای مشابه مردان برخوردار خواهند بود.

مشارکت فقهای سنی در تدوین قانون اساسی

تظاهرات و راهپیمایی زنان در دانشگاه تهران و میدان آزادی و محوطه رادیو و تلویزیون. آن‌ها شعار

می‌دهند «آزادی فرهنگ ما، خاموش بودن ننگ ما»

در مقابل محل روزنامه آیندگان: چند هزار تن در مخالفت با آیندگان اجتماع کردند

سرمقاله: نشان‌های تهدید آمیز از خشونت سیاسی

بدین ترتیب یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته که حمله هیئت حاکمه به زنان و آزادی مطبوعات شروع می‌شود و هیئت حاکمه با استفاده از چماق و مهره‌های فیزیکی اقدام به قلع و قمع می‌نماید.

بدین ترتیب در آغاز سال نو، سازمان‌های انقلابی مواجه با تصمیم‌گیری سه مسئله مهم می‌شوند:

۱. قومیت‌ها

۲. زنان

۳. آزادی

که باید در مقابل آن موضع‌گیری کنند و به زودی مسئله چهارم یعنی رفتارندوم هم به آن اضافه می‌شود.

سازمان مجاهدین در اعلامیه ۲۱ اسفند ۵۷ خود در مقابل این مسائل چنین موضع‌گیری می‌کند.

خوشبختانه تا آنجا که ما می‌دانیم و مواضع اعلام شده کلیه مسئولین کشور و مقامات دولت‌های بازرگان

نیز مؤید آن است، هیچ مقام و نیروی مسئولی نیز قصد ندارد برای جامعه زنان ما کمترین اجبار و اشکالی

در این رابطه ایجاد کند و اگر هم برخی برخوردهای غیراصولی دیده شده باشد، از طرف عناصر ناآگاه و

احیاناً افراد مشکوک و عناصر ضدانقلاب اعمال و توطئه چینی بوده است.

البته اشکال مجاهدین به دلائل زیر است. اول اینکه آن‌ها از ماهیت طبقاتی هیئت حاکمه بی‌خبر هستند. دوم اینکه دولت

نامرئی و تصمیم‌گیرنده به رهبری امام خمینی را نمی‌شناسند. سوم به دلیل ماهیت طبقاتی سازمان، می‌گویند «انشالله گربه

است!». به هر حال هیئت حاکمه با دو چهره، یکی پیدا و یکی ناپیدا به دنبال اهداف خود توده و تا آن جا که ممکن است از

گروه‌های میانه حال مثل بازرگان و نهضت آزادی بهره خواهد برد.

تا این تاریخ سازمان فداییان از موضع‌گیری درباره مسئله زنان و حجاب و آزادی‌های فردی خودداری می‌نماید و دلیل خود را

«مبارزه اصلی بر علیه امپریالیسم است» عنوان می‌کند. سازمان هر زمان که می‌خواهد در مقابل مسائل اساسی موضع‌گیری

کند فوری به چراغ جادوی «خطر امپریالیسم» پناه می‌برد و خود را در زیر چتر آن و برای دنبال کردن مشی سازشگرانه

پنهان می‌سازد.

واقعیت اینکه شعار عدالت اقتصادی بر پیشانی چپ بطور تاریخی حک شده ولی دمکراسی، آزادی و خواست‌های مدنی، جای محکمی در تئوری و پراتیک چپ چه در سطح جهانی و چه داخلی از جمله فدائیان ندارد. حزب توده هم در این تاریخ به هیچ موردی جز حفظ نظام به هر قیمت نمی‌پردازد.

آیندگان، چهارشنبه ۲۳ اسفند ۵۷

به دعوت دانشجویان مسلمان، صدها هزار تن دیروز از دانشگاه به سوی سفارت امریکا به راه افتادند.

راهپیمایی اعتراضی علیه توطئه‌های امریکا

شعار مردم: امریکا! اسرائیل! ما دشمن تو هستیم

بازرگان: استعفای سنجایی را تأیید کرد

هشدار مجاهدین خلق درباره‌ی سوءاستفاده از اعتراض زنان

آیندگان، پنج‌شنبه ۲۴ اسفند ۵۷

تأسف بازرگان از روش دادگاه‌های انقلاب و اختلاف‌های داخلی

بازرگان: دوستی مجاهدین خلق و فدائیان خلق با دولت خیلی امیدبخش است

بازرگان: نه تنها به دولت فشار می‌آورند بلکه آقا را هم تحت فشار می‌گذارند

در چارچوب نظام موجود، یعنی مشروطیت منهای سلطنت خیلی کارها کرده‌ایم

می‌روند پشت گوش آقا می‌خوانند که این‌ها در ظروف طلا و نقره غذا می‌خورند

موسی خیابانی: یا انقلاب یا سازش و تسلیم

چریک‌های فدایی: نیروهای مترقی و مبارز از جبهه دموکراتیک ملی حمایت می‌کنند

نفوذ قدرتمند ناسیونالیسم در سازمان فدائیان

جبهه دموکراتیک ملی به رهبری متین‌دفتری

توده‌ای کردن کار از نخستین قدم و سازمان‌دهی از پایین راه درست دیگری برای تشکیل جبهه دموکراتیک

ملی نمی‌شناسد.

این گروه به روشنی صفت عدم وجود تشکیلات توده‌ای را تشخیص داده‌اند ولی آیا قدرت بسیج و سازمان‌دهی آن را هم دارند؟

آیندگان، شنبه ۲۶ اسفند ۵۷

اجرای حکم دادگاه‌های انقلاب متوقف شد

دیوان عالی کشور منحل شد

یک گام دیگر به طرف احکام اسلامی در قضا

آیندگان، شنبه ۲۶ اسفند ۵۷

قطب زاده: از امروز مفاهیم جمهوری اسلامی را روشن می‌کنیم.

قطب‌زاده هنوز خود را سخنگوی امام خمینی می‌داند.

آیندگان، شنبه ۲۶ اسفند ۵۷

سرمقاله آیندگان: صادق قطب‌زاده دیروز تیری زهر آگین به سوی آیندگان انداخت

حمله به مطبوعات آغاز می‌شود.

آیندگان، یکشنبه ۲۷ اسفند ۵۷

انجمن حقوق دانان: به طرفداران تنوع در سؤالات فراندوم پاسخ مثبت دهید

اطلاعیه وزارت اطلاعات درباره نشریات، افراد و گروه‌ها: وزارت اطلاعات اعلام کرد اخیراً مشاهده می‌شود که بعضی از افراد یا گروه‌ها دست به انتشار نشریاتی زده‌اند که مغایر با شئون قبول مسئولیت در دفاع از آزادی‌های اجتماعی است.

سیاست هیئت حاکمه در مقابل مطبوعات کم‌کم در حال آشکار شدن است.

آیندگان، یکشنبه ۲۷ اسفند ۵۷

محل و تاریخ برگزاری میتینگ جبهه ملی تغییر کرده

آیندگان، دوشنبه ۲۸ اسفند ۵۷

آیندگان: تجاوز به آزادی مطبوعات مقدمه تجاوز به سایر آزادی‌هاست

مجاهدین خلق: مردم را در انتخاب شکل حکومت آزاد بگذارید.. نظر مجاهدین مشخص و رأی مثبت به جمهوری اسلامی است.

امیرانتظام: دولت از آزادی مطبوعات حمایت خواهد کرد.

چریک‌های فدایی: پیش از فراندوم تشکیل مجلس مؤسسان

آیندگان، سه شنبه ۲۹ اسفند ۵۷

جبهه دموکراتیک ملی: در فراندوم شرکت نمی‌کنیم. فراخواندن مردم به انتخاب در مهلتی کوتاه و

پیش‌بینی راه انتخاب دیگر، بی‌گفتگو غیر دموکراتیک است

چریک‌های فدایی: در فراندوم شرکت نمی‌کنیم

«آتش بس سنج شکسته شد.» ۲۶ کشته - ۲۷۰ مجروح

بالاخره پایان سال ۵۷، ریشه‌های استبدادی هیئت حاکمه به میوه و ثمر می‌نشیند و در سایه آفتاب بهاری شکوفا می‌شود و آن چه را که ناگفته بود و پنهان بود آشکار می‌سازد.

۱. مخالفت با آزادی‌های فردی
۲. مخالفت با آزادی‌های مطبوعات
۳. مخالفت با حقوق بشر
۴. ایجاد سانسور در رسانه‌ها
۵. مبارزه با خواسته‌های قومی
۶. خط و نشان کشیدن برای احزاب
۷. برافراشتن پرچم حکومت جهان اسلام
۸. حذف حقوق اجتماعی زنان
۹. از میان برداشتن حقوق مدنی و برقراری قوانین جزای اسلامی
۱۰. حفظ ماشین دولتی پیشین
۱۱. بلاتکلیفی اقتصادی و طبقاتی به نفع سرمایه‌داری

هیئت حاکمه به لحظه سرنوشت‌ساز حکومت خود می‌رسد. همه‌پرسی برای نوع حکومت می‌بایستی شالوده‌ی قانونی برای حکومت فراهم آورد. هیئت حاکمه در ابتدا به خاطر شور انقلابی مردم سخن ازدیکتاتوری مطلق به میان نمی‌آورد ولی پس از گذشت یک ماه از انقلاب متوجه می‌شود که نیروی مخالف سازمان‌یافته‌ای در مقابل خواسته‌های آن وجود ندارد و می‌تواند اراده خود را بر مردم تحمیل نماید. به همین جهت تمام وعده‌های آزادمنشانه‌ی خود را به دست فراموشی می‌سپرد و حق انتخاب مردم را به دو نوع حکومت جمهوری اسلامی یا پادشاهی منحصر می‌کند و دیگر از واژه‌ی دموکراتیک یا جمهوری خبری نیست.

آیندگان، سه شنبه ۷ فروردین ۵۸

سرمقاله: رفراندوم ایران: رأی‌گیری شتاب زده. اگر رفراندوم به شکل فعلی انجام شود کسانی که به جمهوری یا جمهوری دموکراتیک می‌خواهند، مجبورند رأی سفید بدهند. رفراندوم در زمانی صورت می‌گیرد که مردم هنوز از اجزاء برنامه‌ها و چگونگی جمهوری اسلامی اطلاع دقیقی ندارند. شاپور بختیار از مخفیگاهش پیام فرستاد. وی با چنین رفراندومی مخالفت کرد.

آیندگان، پنجشنبه ۹ فروردین ۵۸

اطلاعیه دولت: در گنبد کاووس آتش بس اعلام شده است
نبرد در گنبد از سر گرفته شد.
نمایندگان حزب دموکرات کردستان به ریاست دکتر قاسملو با امام خمینی ۴۵ دقیقه مذاکره کردند. قاسملو مذاکرات را رضایت‌بخش خواند.
شدت گرفتن حرکت‌های اقلیت‌های قومی و مذهبی

آیندگان، شنبه ۱۱ فروردین ۵۸

جمهوری اسلامی قطعی شد

بازرگان: در ایران دیکتاتوری مذهبی برقرار نخواهد شد.

قاسملو: برای جلوگیری از تحریکات امپریالیسم حقوق مردم کرد باید تامین شود

امیرانتظام: شورای انقلاب نقش ولایت فقیه را ایفا خواهد کرد.

راه‌پیمایی و گرد هم آیی در اعتراض به رویدادهای سنندج

گزارش خبرنگاران اعزامی آیندگان به گنبد کاووس: درگیری‌ها نسبتاً شدید است.

* * *

موضع‌گیری سازمان‌ها و گروه‌ها در مقابل رفراندوم «جمهوری اسلامی»

در ادامه به بررسی موضع‌گیری سازمان‌ها و احزاب در مقابل رفراندوم «جمهوری اسلامی» می‌پردازیم.

موضع‌گیری سازمان فداییان نسبت به رفراندوم

سازمان فداییان در نشریه‌ی کار شماره ۴ (۹ فروردین ۱۳۵۸) چنین می‌گوید.

چرا در رفراندوم شرکت نمی‌کنیم؟

ما طرفدار آن شکل و محتوای جمهوری هستیم که مدافع هر چه بیشتر منافع خلق‌های تحت ستم ایران می‌باشد. اما آیا بدون تدوین قانون اساسی و روشن شدن محتوای کامل جمهوری می‌توان درباره آن قضاوت کرد؟ به اعتقاد ما قبل از هر چیز باید نمایندگان واقعی و راستین مردم برای تشکیل مجلس مؤسسان انتخاب شوند.

به علاوه باید پیش از انجام هر گونه انتخابات حداقل شرایط و اوضاع و احوال مناسب برای برگزاری انتخابات فراهم باشد. هنگامی که مرجعین و بازماندگان رژیم سابق خودسرانه به تفتیش عقاید مشغولند و با تهدید و ارباب و توهین و تعرض و جرح و حتی قتل، انقلابیون را در معرض شدیدترین فشارها قرار داده‌اند، هنگامی که دولت موقت نتواند ابتدایی‌ترین وظیفه خود را انجام دهد. نمی‌تواند رفراندوم را در شرایط آزاد و دموکراتیک برقرار سازد. از طرف دیگر نحوه برگزاری رفراندوم و طرح این سوال که با جمهوری اسلامی موافقت یا خیر و اگر نیستید طرفدار سلطنت شناخته خواهید شد، توهین به انقلاب خلق است باید برخلاف فرصت‌طلبان و دو رویان، صادقانه و صراحتاً به مردم میهنمان بگوییم در این شرایط در رفراندوم پیشنهادهای شرکت نمی‌کنیم.

موضع‌گیری سازمان مجاهدین نسبت به رفراندوم

سازمان مجاهدین در بیانیه «۲۷ اسفند درباره رفراندوم» چنین می‌گوید.

برقراری جمهوری اسلامی، خواست اکثریت قاطع مردم ما، و لذا موفقیت آن در رفراندوم پیش بینی شده از جانب دولت از پیش محرز و لذا ضدیت با آن جز نشان سکتاریسم نخواهد بود. استقرار جمهوری اسلامی برای «مجاهدین خلق ایران» به خودی خود يك کمال مطلوب است؛ مشروط بر این که آن چه به نام اسلام ارائه می‌کنیم، حقیقتاً اسلامی و به دور از هر شائبه شرك آمیز استبدادی و استعماری و استثمارگری باشد. در همین قدم اول و حتی قبل از استقرار خود جمهوری اسلامی بوی اکراه و اجبار به مشام می‌رسد؟ بنابراین از دولت‌های بازرگان تقاضا می‌کنیم ترتیبی اتخاذ نمایند که امکان انتخاب آزاد هر شکل از حکومت برای هر فرد یا گروهی در نظرخواهی وجود داشته باشد. البته همچنان که در فوق گذشت در هر صورت نظر «مجاهدین خلق ایران» دقیقاً مطابق نظر اکثریت قاطع مردم ایران و بر حسب نقطه نظرهای ایدئولوژی خود موضع رای مثبت به جمهوری اسلامی است.

نکات قابل توجه در این اعلامیه عبارتند از:

۱. سازمان مجاهدین به نمایندگی از طرف مردم ایران سخن می‌گوید.
۲. سازمان معنای درست سکتاریسم را درک نکرده که بعد اصلی آن روند تاریخی آن است نه یک دید ایستا و لحظه‌ای از آن
۳. به دلیل وضعیت طبقاتی التقاطی خود از طرف دیگر به روی استبداد آن توجه دارد.
۴. به هر حال سازمان مجاهدین با تأیید جمهوری اسلامی آب به آسیاب آنچه خمینی می‌خواهد ریخته است.
۵. سازمان درک نکرده که این دست‌پخت و دست‌آورد هیئت حاکمه نامرئی است و نه دولت بی‌توان بازرگان که آلت دستی بیشتر برای خمینی نیست. هر چند به هر حال روحیه انقلابی اکثریت اعضا سازمان نگران آینده‌ی آزادی‌ها در ایران می‌باشد؛ هر چند قرابت ایدئولوژیک با هیئت حاکمه موجب تناقض بزرگ برای آنان شده است.
۶. سازمان با دستاویز کردن مسئله سکتاریسم به دامن پوپولیسم مذهبی می‌افتد. این دوگانگی لاجرم در آخر منجر به یک اراده‌گرایی شدید خواهد شد.

سازمان در ادامه سیاست دوگانگی خود در پیام تبریک به ملت ایران و رهبری انقلاب (۱۶ فروردین ۵۸) چنین می‌گوید:

اینک که مردم ستم دیده و داغدار ما با لبیک به رهبر انقلاب و با میلیون‌ها رای خود استقرار جمهوری اسلامی را تحقق بخشیدند، ما افتخار داریم که گرم‌ترین تبریکات را به عموم مردم جان بر کف و شخص «امام» و نیز پاک‌ترین درووها را بر شهدای به خون خفته خلق که در مسیر هموار کردن راه این پیروزی جان باختند، تقدیم کنیم»....

نگرانی ما این است که مبادا با سقوط رژیم سلطنت مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم و تمام مظاهر اجتماعی و طبقاتی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی متوقف شده و حرکت به سمت محور ستم‌های اجتماعی و طبقاتی و به خصوص تامین منافع طبقات محروم دوام نیابد.

دوگانگی ماهیت طبقاتی سازمان در این اطلاعیه نیز به خوبی هویداست. از یک طرف به ستایش از امام خمینی می‌پردازد و از سوی دیگر سخن از منافع زحمت‌کشان به میان می‌آورد که مبین ماهیت اصلی و عمده طبقاتی سازمان همان طبقه متوسط و خرده‌پای سرمایه‌داری است که در تمام انقلابات سرنوشت مشترکی دارند. چون که لنین درباره انقلاب فرانسه می‌گوید همین طبقه است که انقلاب را به سمت ریسپیاریسم و یا بناپارتیسم می‌برد و لاجرم اراده‌گرایی را بر آن غالب می‌سازد.

موضع‌گیری حزب توده در مقابل رفراندوم

حزب توده در نامه‌ی مردم شماره ۳ (۸ فروردین ۱۳۵۸) چنین می‌گوید.

مشی حزب توده ایران استراتژیک درازمدت و صادقانه است. ما معتقدیم که باید دعوت آیت‌الله خمینی برای تجهیز هر چه بیشتر نیروها در رفراندوم مورد توجه قرار گیرد و در همه جا کارخانه‌ها، مزارع، دانشگاه‌ها و موسسات اداری همه نیروهای انقلابی تجهیز شوند که در صف واحدی برای وارد کردن آخرین ضربت به رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک سلطنتی به پای صندوق‌ها بروند.

برخی از دوستان می‌پرسند بهتر نبود به جای یک پرسش چند پرسش مطرح می‌شد تا مردم از میان آن چه که می‌خواهند انتخاب کنند؟ به نظر ما نه.

برخی از دوستان می پرسند آیا رای دادن به جمهوری اسلامی مواضع آن دسته از محافل ارتجاعی را که مقاصد خود را در کسوت اسلامی پنهان کرده اند تحکیم نمی کند؟ به نظر ما نه.

برخی از هواداران می پرسند آیا بهتر نبود که با توجه به دشواری های موجود حزب توده ایران هم اصولاً از شرکت در رفراندوم پرهیز می کرد؟ پاسخ در این مورد هم قطعاً منفی است. زیرا اولاً سیاست پاسیو و غیرفعال در هیچ زمانی سیاست سودمندی نیست و ثانياً حزب توده ایران به وحدت توده مردم اهمیت درجه اول می دهد.

نکات زیر در رابطه با نامه فوق قابل توجه و استنتاج است.

۱. آیا به دنبال یک جریان سیاسی نرفتن به معنای سیاست پاسیو و غیرفعال است؟
۲. حزب توده آزادی های چندگانه را در این انقلاب دموکراتیک ملی قبول ندارد و اصولاً به ماهیت دموکراتیک و انقلابی این انقلاب اعتقاد ندارد و موضع خود را در این مورد روشن نساخته است.
۳. در پاسخ به اینکه محافل ارتجاعی در زیر نام «جمهوری اسلامی» به مهمترین وجه می توانند سنگر گرفته و سیاست های ضد مردمی و ضد فرهنگی و ضد آزادی های خود را پیگیری کنند طفره می رود.
۴. حزب توده ایران بدون هیچ قید و شرطی نظریه هیئت حاکمه را برای همه پرس می پذیرد. کسی یک پیشنهاد را بی قید و شرط می پذیرد که در موضع ضعف مطلق بوده و یا به پنهان کاری و خرید زمان مشغول باشد.
۵. شاید این موضع گیری تسلیم طلبانه و بی قید و شرط از طرف اردوگاه سوسیالیستی و اتحاد جاهیر شوروی توجیه و تعیین شده باشد و حزب توده بدون توجه به منافع ملی مردم و ماهیت دموکراتیک انقلاب چنین موضعی را اتخاذ کرده باشد.
۶. شاید هم اختیار این موضع ناشی از اشتباه رهبران حزب باشد. به هر حال با این موضع گیری همان طور که خود حزب گفته است آینده استراتژیک حزب هم در تسلیم طلبی و دنباله روی از هیئت حاکمه روشن می شود.
۷. این موضع گیری تسلیم طلبانه خبر از ماهیت غیرانقلابی حزب دارد.
۸. بین دیدگاه های اعضای پایین حزب با رهبران حزب اختلاف اساسی وجود دارد. اعضای پایین حزب با تجربه انقلابی خود با این مشی حزب مخالف می باشند.
۹. در این اطلاعیه حزب مدعی سخنگویی طبقه کارگر نیست و نمی تواند باشد.
۱۰. اگر حزب با توصیح اتحاد شوروی چنین مشی ای را اتخاذ کرده باشد به معنای آن است که رابطه دیالکتیکی منافع ملی و منافع انترناسیونالیسم کارگری را به دست فراموشی سپرده است و توازن بین آن ها را نادیده گرفته است.
۱۱. این موضع گیری حزب در نقطه مقابل موضع گیری های اقوام مختلف ایرانی از قبلی کرد، ترکمن، بلوچ و ... می باشد. منافع این اقوام و رفع ستم ملی آنان برای حزب چندان مطرح نیست.

بدین ترتیب ملاحظه می شود که مواضع گروه ها و احزاب مختلف در مقابل رفراندوم به شکل زیر خلاصه می شود:

- شخصیت های مستقل و ملی با جمهوری اسلامی مخالف می باشند.
- جبهه دموکراتیک ملی متین دفتری با جمهوری اسلامی مخالف است.
- سازمان چریک های فدایی خلق با جمهوری اسلامی مخالف است.
- سازمان مجاهدین خلق با چند شرط و امید به مجلس مؤسسان موافق است.
- حزب توده ایران بدون هیچ قید و شرط طرفدار جمهوری اسلامی است.

مسئله کردستان و ترکمن صحرا

آیندگان، یکشنبه ۱۲ فروردین ۵۸

در حالی که تیراندازی در نقاط مختلف شهر ادامه دارد، طرف‌های درگیر در گنبد مذاکره را پذیرفتند. دولت سعی دارد فدائیان را مقصر در این درگیری‌ها اعلام کند. نماینده‌ی دولت: حق تعیین سرنوشت که از طرف مردم ترکمن مطرح شده، قانونی ولی تجزیه‌طلبی قابل قبول نیست. کردهای مقیم مرکز از خلق ترکمن حمایت کردند.

آیندگان، دوشنبه ۱۳ فروردین ۵۸

آتش‌بس در گنبد

امیرانتظام: در خوزستان هم توطئه‌هایی در حال شکل گرفتن است. پیام امام خمینی به ملت ایران: باکی نداریم که در غرب درباره‌ی ما چه می‌گویند. چریک‌های فدایی خلق: سیا می‌خواهد جنگ داخلی راه بیندازد. رهبر حزب دموکرات کردستان: خودمختاری را دشوار جلوه می‌دهند.

آیندگان، سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۵۸

ارتش سنگرها را در گنبد تحویل گرفت.

گنبد آرام است.

مولوی عبدالعزیز: درگیری در گنبد به تحریک ساواکی‌ها و بعضی از افراد بی‌تجربه‌ی کمیته بود. بازرگان: در پی فرمول واحد خودمختاری هستیم. دولت هرگز با گروه‌های تروریستی مذاکره نخواهد کرد.

موضع سازمان فدائیان خلق درباره‌ی وقایع گنبد

کار شماره ۴، ۹ فروردین ۵۸

عناصر ضدانقلابی تظاهرات آرام مردم ترکمن را به خون کشیدند.

سازمان فدائیان در میان ترکمن‌ها نفوذ بسیار زیادی دارد. در گردهم‌آیی مردم ترکمن پیام سازمان خوانده می‌شود و به مردم گفته می‌شود که این اجتماع مسالمت‌آمیز است که ناگهان چند کامیون ارتش که تعداد زیادی نظامی و غیرنظامی را حمل می‌کرد در اطراف باغ ملی پیاده می‌کند. افراد مسلح که اکثرشان بازوبند «پاسداران انقلاب» را داشتند بر بام خانه‌های مردم سنگر می‌گیرند و شروع به تیراندازی می‌کنند.

کار شماره ۵، ۱۶ فروردین ۵۸

درباره‌ی حوادث گنبد: فدائیان موظفند سخن بگویند.

ما اعلام می‌کنیم به هیچ وجه در جنگ‌های گنبد مداخله‌ای نداشته‌ایم. تأکید می‌کنیم که همان روز اول درگیری‌ها نماینده سازمان در گنبد طبق دستورالعمل اکید سازمانی از شلیک خودداری کرده و متأسفانه به علت تحریکات مرتجعان بازداشت شده است. مرتجعان می‌خواهند طوری وانمود کنند که گویا ما در گنبد فعالیت داشته‌ایم. حال آنکه ما افتخار می‌کنیم که نه تنها در گنبد بلکه در بسیاری از شهرهای ایران دوشادوش پیشروترین نیروها، دوشادوش آن‌ها که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند در کنار مردم و همراه مردم برای نابودی تمام مظاهر ستم طبقاتی و ملی مبارزه می‌کنیم و خواهیم کرد و این مبارزه‌ی حق طلبانه را وظیفه‌ی همه‌ی انقلابیون راستین خلق می‌شناسیم.

بدین ترتیب تا این لحظه سازمان فدائیان رسالت انقلابی خود را دنبال می‌کند؛ هر چند متوجه می‌شود که هیئت حاکمه‌ی نامرئی به دنبال آن‌ها می‌باشند و برای اولین بار با سازمان و گروهی به نام «پاسدار انقلاب» روبرو می‌باشد که با قدرت کافی و تجهیزات لازم و آموزش‌های مناسب می‌تواند برای محو فیزیکی سازمان‌ها و گروه‌ها و افراد وارد عمل شود.

اعلامیه‌ی جبهه‌ی دموکراتیک ایران درباره‌ی حوادث گنبد

مردم ترکمن به تحریک عوامل رژیم پیشین و به دستبرادران مسلمان خود یعنی پاسداران به قتل می‌رسند. بی‌توجهی به حقوق و خواسته‌های حقه‌ی کارگران و واگذار کردن حل مشکل آن‌ها به کمیته‌ها این جامعه را دچار چنان آشوبی خواهد کرد که علیرغم پیروزی بزرگ در فراندوم رژیمی به مراتب مستبدتر از رژیم سابق را بر کشور حکمفرما خواهد ساخت.

پیش‌بینی جبهه‌ی دموکراتیک ملی از آینده با توجه به وضع موجود از واقعیت بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها برخوردار است. هر چند آن‌ها هم هنوز به ماهیت و وجود هیئت حاکمه نامرئی به رهبری امام خمینی پی نبرده‌اند. به هر حال هم سازمان فدائیان و هم جبهه دموکراتیک و هم افراد مستقل و ملی خواستار حل مسئله اقلیت‌های قومی و مذهبی به صورت دموکراتیک هستند و این موضوعی قابل ثبت در تاریخ است.

موضع‌گیری سازمان مجاهدین درباره‌ی اتفاقات گنبد

جنبش ملی مجاهدین با تأیید کامل نقطه نظرهای اعلام شده‌ی «حضرت آیت‌الله طالقانی» در مورد مسائل برادران ترکمن و ضمن ابراز تأسف شدید از درگیری‌ها و خون‌ریزی‌های اخیر گنبد که منجر به قتل تعدادی از برادران عزیز ترکمن نیز شده است، اعلام می‌دارد که به هیچ وجه در جریان این درگیری‌ها نبوده و اصولاً هنوز هیچ دفتر یا نماینده‌ای در منطقه ندارد.

نقطه نظرهای «مجاهدین خلق ایران» درباره مسائل برادران ترکمن مبنی بر دفاع از حقوق حقه‌ی تمام ملیت‌های ایرانی و رفع ستم مضاعف از ایشان در چارچوب وحدت ملی و ضدامپریالیستی کل کشور نیز قبلاً اعلام گردیده است.

همچنین امیدواریم که برادران و خواهران ترکمن هیچ فرصتی برای بهانه‌جویی‌های استعماری باقی نگذارند چرا که دشمنان انقلاب می‌خواهند خواست‌های خلق مهربان ما را در گوشه و کنار کشور تجزیه‌طلبانه جلوه دهند و با روشن کردن آتش نفاق درونی، مبارزه‌ی ضدامپریالیستی تمام مردم ایران را از مسیر اصلی خود منحرف سازند.

۸ فروردین ۵۸

نکته جالب توجه در این اعلامیه این است که سازمان مجاهدین گناه این اتفاقات را به ساواکی‌ها و عوامل گذشته مرتبط نساخته است و حس می‌کند که دود آتش از جایی دیگر بلند است. ولی به هر حال بوی احقاق حق برای ملیت‌های ایرانی از آن به مشام می‌رسد.

موضع‌گیری حزب توده درباره وقایع گنبد

روزنامه‌ی مردم شماره ۴، ۱۵ فروردین ۵۸

تردیدی نیست که حل مسئله ملی در کشور کثیرالمله‌ای مانند ایران آسان نیست. ... دشواری مسئله و لذا ضرورت رفتار مدبرانه و خونسردانه به ویژه اینجاست که دشمن مشترك خلق‌های ایران یعنی امپریالیسم و عمال آن لحظه‌ای بیکار نیستند. ... کسانی که خواستار حل مسئله خلق‌ها بر مبنای دموکراتیک و ایجاد آرامش واقعی و تفاهم میان خلق‌های ایرانند باید این واقعیت را در نظر بگیرند و توجه کنند که تنها راه حل مسئله این است که حقوق کامل این خلق‌ها و برابری آن‌ها در چارچوب تمامیت ارضی ایران پذیرفته شود. رهبران خلق‌های تحت ستم نیز به نوبه خود وظیفه‌ی دشواری به دوش دارند.

نکته جالب در این اعلامیه این است که حزب توده مسئله را به طور مساوی نصف کرده؛ به شکلی که نصف آن به دوش رهبران خلق‌های تحت ستم است ولی نصف دیگر هم معلوم نیست با چه کسی است! دوم اینکه مسئله را چنان دشوار جلوه می‌دهد که در صورت حل نشدن، هیئت حاکمه از تقصیر مبری شوند. سوم این که حزب به هیچ وجه به مسببان این حادثه اشاره‌ای ندارد؛ و بالاخره چهارم این که گویا اصلاً سازمانی به نام «پاسداران انقلاب» در این کشتار شرکت نداشته‌اند و به خاطر خوش‌خدمتی از آن‌ها نامی به میان نمی‌آورد.

موضع‌گیری سازمان فدائیان خلق درباره مسئله کردستان

از مدتی پیش موج نارضایتی در میان مردم کرد به وجود آمد که علت آن بدرفتاری کمیته‌ی امامو نیروهای ارتش بود. مردم با کمیته مخالف بودند و می‌خواستند نمایندگان خود را انتخاب کنند. مردم ژاندارمری را گرفتند اما ارتشی‌ها آن‌ها را به گلوله بستند و صدها نفر را کشتند و مجروح ساختند.

شورای موقت انقلاب سنندج خواست‌های عمومی و اساسی ملت کرد را در قالب موارد زیر مطرح کردند:

۱. در قانون اساسی باید گنجانده شود که ایران يك کشور کثیرالمله است و ملت کرد مانند دیگر ملت‌ها باید از حق کامل و انکارناپذیر تعیین سرنوشت برخوردار باشد و این به معنای استقرار حاکمیت سیاسی و اقتصادی خلق‌ها بر میهن و سرزمین تاریخی خودشان است تا بدین ترتیب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران به شکل واقعی و آزاد و داوطلبانه حفظ و تأمین گردد.
۲. هشت ماده تقدیمی نمایندگان مردم کُرد به هیئت تحت ریاست آقای داریوش فروهر در شهر مهاباد باید سریعاً و دقیقاً از طرف دولت به نحو مثبت جواب داده شود. هر نوع تاخیری در قبول این درخواست‌ها بر بحران منطقه می‌افزاید و عواقب خطرناک ناشی از آن به عهده دولت مرکزی است.
۳. حل مسئله کُرد تنها در رابطه با حل مسائل اساسی ملت ایران در تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی و تکامل مبارزه دموکراتیک و ضدامپریالیستی تمام خلق‌ها امکان پذیر خواهد بود و این دو جریان به نحو دقیق و جدایی ناپذیر به یکدیگر وابسته اند.

هیئت حاکمه با ویتترین داریوش فروهر در هر کجا که باید مدتی وقت خرید و نیروهای دیگر را فریب داد وارد عمل می‌شود و از محبوبیت داریوش فروهر حداکثر سوءاستفاده را می‌کند. به هر حال سازمان فدائیان به عمق فاجعه و اختلاف خود با هیئت حاکمه پی نبرده است و یک نوع خوش‌بینی پسیفیسیم در آن‌ها وجود دارد. با این وجود سازمان فدایی با روحیه‌ی انقلابی به سنجش امور مشغول است.

روزنامه کار شماره ۴

همگام با نیروهای مترقی

تا پای جان در کنار خلق‌ها خواهیم بود

مسئله کردستان و حق خلق کُرد در تعیین سرنوشت خود در چهارچوب خودمختاری داخلی از جمله مسائلی است که باید با توجه به رویدادهای اخیر پاسخی قطعی و روشن به آن داده شود... امپریالیسم تلاش می‌کند که خواست‌های بر حق خلق کُرد را در جهت خودمختاری واقعی تجزیه طلبی قلمداد کند تا بتواند مردم میهن ما را رو در روی هم قرار دهد... کسانی که امروز سیاست زور و سرکوب را بر علیه خلق‌ها به کار می‌برند، تنها به امپریالیسم و ارتجاع خدمت می‌کنند.

امپریالیسم و ارتجاع از طریق عوامل خود برای مقابله با خواست‌های برحق خلق‌های ایران به ویژه کردستان به تجدید سازمان ارتش پرداختند... امپریالیسم و دست نشانده‌گانشان می‌کوشند به شیوه‌های مختلف از جمله متوسل شدن به اختلافات مذهبی مسیر مبارزه را منحرف کنند.

از آن جا که سرکوب خلق‌ها راه سلطه مجدد امپریالیسم را هموار می‌کند... از آن جا که بدون احقاق حقوق و خودمختاری خلق‌ها امکان ایجاد ایرانی آزاد و دموکراتیک وجود ندارد... همگام با نیروهای مترقی تا جان در کنار خلق‌ها خواهیم بود و از خواست‌های برحق آن‌ها دفاع خواهیم کرد.

مستحکم باد پیوند خلق‌های سراسر ایران

سازمان مجاهدین با داشتن برنامه‌ای ذهن‌گرایانه از امپریالیسم نمی‌تواند خط یک حکومت مذهبی و یک هیئت حاکمه نامرئی مذهبی را به درستی ارزیابی کند. این امپریالیسم نیست که در کردستان غائله می‌آفریند. این هیئت حاکمه نامرئی مذهبی است که ماشین و ارتش کهنه دولتی را دوباره بر علیه مردم به کار انداخته و می‌اندازد و با خلق سازمان‌های موازی با آن (سپاه پاسداران) به تقویت آن هم می‌پردازد.

خواست‌های انقلابی سازمان فدائیان بدون تکامل و تجهیز و سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر، چه در ایران و چه در میان خلق‌های ایران امکان‌پذیر نیست. لنین و رزا لوکزامبورگ نشان داده‌اند که مسئله‌ی ملیت‌ها فقط به کمک طبقه کارگر ممکن است و لاغیر. به همین جهت امپریالیسم با آگاهی از این نکته ناظر و شاهد ماجراست. ولی به هر حال رویه‌ی انقلابی سازمان فدائیان آن‌ها را با رمانتی‌سیسم انقلابیشان در کنار توده‌های مردم قرار داده است.

موضع سازمان مجاهدین درباره وقایع کردستان

سازمان مجاهدین در اعلامیه ۲۸ اسفند ۵۷ چنین می‌گوید.

جنبش ملی مجاهدین، ضمن ابراز تاسف شدید از درگیری‌ها و خون‌ریزی‌های اخیر کردستان که منجر به قتل تعدادی از برادران عزیز گرد نیز شده است، اعلام می‌دارد که به هیچ وجه در جریان این درگیری‌ها قرار نگرفته و اصلاً هنوز هیچ دفتر یا نماینده‌ای در منطقه ندارد.

نقطه نظرهای مجاهدین درباره مسئله کردستان مبنی بر دفاع از حقوق حقه‌ی هم‌میهنان کرد و رفع ستم مضاعف از آنان در چارچوب وحدت ملی و ضدامپریالیستی تمام خلق‌های ایران نیز اعلام گردیده و اکنون نیز امیدواریم که با ترك هر نوع مخاصمه، زمینه برای اعزام نماینده ذی‌صلاح دولت «آقای مهدی بازرگان» به منطقه فراهم شده و در اسرع وقت چارچوب انقلابی و مردمی مناسبی برای حل مسالمت‌آمیز مسئله‌ای که به خوبی می‌تواند به بهانه تجزیه طلبی مورد استفاده دشمنان انقلاب ایران قرار گیرد تدارک دیده شود.

سازمان مجاهدین به علت روحیه‌ی انقلابی اعضای خود توجه درستی به مسئله کردستان کرده و به حق مردم کرد در اداره‌ی خود معترف است. اما به دلیل عدم درک ماهیت هیئت حاکمه و تفاوت نگذاشتن بین آن و دولت بازرگان، موضوع را ساده می‌گیرد. سازمان هنوز به اشتباه می‌پندارد که دولت بازرگان هسته‌ی اصلی در هیئت حاکمه است. سازمان از خطر مخوف ماشین دولتی به جا مانده به خوبی آگاه نیست.

سازمان به تلاش دلائل مذهبی درک درستی از مسائل امپریالیسم ندارد و بی‌جهت آن را وارد مسئله‌ی کردستان می‌نماید. سازمان به دلیل شناسنامه‌ی مذهبی-شیعی خود، نمی‌تواند نقش مؤثری در میان اقلیت‌های قومی ایران که اکثراً سنی می‌باشند بازی کند.

موضع حزب توده درباره وقایع کردستان

حزب توده ایران در نامه مردم چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۵۸ چنین می‌نویسد

پیروزی نوین انقلاب در کردستان،

آنچه در سنج گذشت ماجرای تحریک آمیزی بود ... حداقل چیزی که توطئه گران می خواستند بر هم زدن آرامش و متزلزل کردن پایه های انقلاب بود.

تا اینجا هیچ اشاره ای به نقش هیئت حاکمه و ارتش ندارد.

خوشبختانه مبارزین کرد با هوشیاری و فداکاری تمام این توطئه ها را در هم شکستند و موفق شدند به همراه آیت الله طالقانی به تواقی دست یابند که از بسیاری جهات جنبه تاریخی دارد و می تواند پایه استواری برای حل مسئله ملی نه تنها در کردستان بلکه در سایر مناطق کشور قرار گیرد.

به طور تلویحی مردم کرد را مسبب این غائله دانسته و چنین می گوید که مسئله خلق کرد برای همیشه به دست نماینده دولت بازرگان حل شده است.

ما عین توافق را به علت اهمیت آن به همان ترتیبی که از رادیوی انقلاب اسلامی ایران منتشر شده و به مثابه یک تعهد قطعی الزام آور است در زیر می آوریم.

جالب این است که حزب توده به استقبال «رادیوی انقلاب اسلامی» به جای رادیو ایران می رود و از جانب خودش این اعلامیه را یک تعهد قطعی می داند و به مردم کرد مژده می دهد که مسئله کردستان برای همیشه به دست این هیئت حل شده است.

ما با صراحت و صداقت کامل به برادران و خواهران کردستانی اعلام می داریم که انقلاب اصیل اسلامی ایران تحقق آرمان هایی به شرح زیر را تضمین می کند:

۱. در تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ایران شما نیز سهم خواهید بود و در این قانون حقوق همه مردم ایران از جمله مردم شریف کردستان تأمین خواهد شد.

هیئت حاکمه در پی خرید وقت برای خود است و وعده ی سر خرمن تدوین قانون اساسی را می دهد.

۲. مردم کردستان برای اشاعه فرهنگ اصیل کردی آزادی کامل دارند و زبان کردی در کنار زبان فارسی در مناطق کردنشین رسمیت خواهد یافت.

هیئت حاکمه به خوبی می داند که هرگز نمی تواند زبان کردی را محو و نابود کند و همچنین وجود این زبان برای حکومت مذهبی ایران آسیب رسان نیست.

۳. در کردستان هم چون استان های دیگر امور منطقه با اراده و انتخاب مردم اداره خواهد شد و هیچ مقام اداری به آن تحمیل نخواهد شد.

۴. به مردم کردستان همه گونه امکان داده می شود تا منافع اقتصادی منطقه را در راه رفاه خود بدون هیچ گونه استثمار به کار گیرند.

در عوض اینکه بگویند به مردم کرد «اختیار» داده می شود، می گویند «امکان» داده می شود که مسئله را به طور کامل بی معنا و تهی از محتوا می کند.

۵. برای مردم کردستان هم چون مردم سراسر کشور حق دخالت در امور سیاسی عمومی و تصمیم گیری در سرنوشت مملکت بدون هیچ گونه تبعیض رعایت می گردد.

روغن ریخته را نذر امامزاده کرده‌اند. چگونه ممکن است که مردم یک منطقه را در هر انتخابات قلابی از حق رأی محروم کرد و انتخاب نمایندگان خلق کرد را در مجلس به جای حق حاکمیت مردم کرد جا زد؟

۶. دولت اسلامی مرکزی حمایت اقتصادی اجتماعی از مردم محروم و مستضعف کردستان را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد و در جریان عقب ماندگی‌های گذشته آنان خواهد کوشید.

این امتیازی برای مردم کردستان نیست.

۷. به آگاهی مردم کردستان در استفاده از لباس و انسجام سنت خاص کردی کم‌ترین خدش‌های وارد نخواهد شد.

امتیاز بزرگی به خلق کرد در لباس پوشیدن داده می‌شود که حزب توده آن را الگویی انقلابی برای رفع ستم‌های ملی خلق‌های ایران می‌داند.

حزب توده یا ناآگاه است یا خود را درباره‌ی این اعلامیه به نادانی می‌زند و با خوشحالی و شادمانی می‌گوید: «به این تعهد منطقی و روشن چیز زیادی نمی‌توان افزود» و «ما به همه‌ی مبارزین انقلابی بتریک می‌گوییم». ولی چون رسوایی بزرگ است، برای خالی نبودن عریضه این چند کلمه را اضافه می‌کند.

اما این نکته مهم را نمی‌توان ناگفته گذاشت و آن این که موضوع مسببین واقعه خونین سنندج در این توافق نامه مسکوت گذاشته شده، از جمله معلوم نشده است که پادگان سنندج به دستور کدام مقام دولتی یا نظامی به روی مردم آتش گشوده است.

به هر حال تبریک حزب توده به انقلابیون از این که هیچ سخنی درباره‌ی خودمختاری و اختیارات سیاسی به میان نیامده و مسئله به لباس و زبان مردم کرد خلاصه شده، هیچ معنایی جز خودشیرینی برای هیئت حاکمه ندارد و حتی حزب به هیچ وجه به دلش بد راه نمی‌دهد که تازه این اعلامیه مربوط به دولت بازرگان است نه هیئت حاکمه اصلی. نکته بعدی این است که حزب از شروع ماجرا از ۵ اسفند تا صدور این اعلامیه در ۸ فروردین یک ماه کامل در مقابل کشتار خلق کرد سکوت کرد و در روزنامه‌های مردم کوچک‌ترین اشاره‌ای به این وقایع نمی‌شود و بالطبع اکنون این اطلاعیه در واقع نجات‌بخش حزب توده پس از یک ماه سکوت است!

نکته جالب دیگر این است که پس از رفتن دوم از طرف حزب توده با واژه‌ی «دولت اسلامی» روبه‌رو می‌شویم. در این فاصله‌ی یک ماهه آن چه مایه‌ی شادی حزب است، تشکیل دادگاه‌های انقلاب به رهبری خلخالی است. این موضع‌گیری هیئت حاکمه مورد تأیید حزب دموکرات کردستان نیست و این تفاوت نظر باید به زودی در تصمیم‌گیری‌های استراتژی حزب درباره‌ی کردستان خود را نشان دهد. گروه‌های کوچک‌تر کرد مانند کوموله و غیره به کلی با این توافق همراه نمی‌باشند و در نتیجه به اعمال رادیکال دست خواهند زد.

مسئله‌ی آزادی زنان و حجاب اجباری

آیندگان، سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۵۷

زنان خواهان از میان رفتن نابرابری هستند.

آیندگان، سه‌شنبه ۱۹ اسفند ۵۷

تظاهرات زنان به خشونت کشیده شد.

آیندگان، سه‌شنبه ۲۰ اسفند ۵۷

آیت‌الله طالقانی: هیچ اجباری در کار نیست و مسئله چادر هم نیست.

آیندگان، سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۵۷

از طرف زنان حقوق‌دان: تحمیل حجاب پایان یافته تلقی شد.

داریوش فروهر: زنان از حقوق و مزایای مشابه مردان بهرمنند خواهند شد.

نظر دولت درباره‌ی حجاب: خجابه‌ها الزامی نیست. البته نمایشگری و عریانی و جلفی چیز دیگریست.

آیندگان، سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۵۷

راه‌پیمایی دختران در تبریز به خشونت کشیده شد.

آیندگان، سه‌شنبه ۲۳ اسفند ۵۷

هشدار مجاهدین درباره‌ی سوءاستفاده از اعتراض زنان

آیندگان، سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۵۸

بازرگان: بی‌شک آیت‌الله خمینی مرتکب اشتباه شده‌اند. یکی وقتی حکم کرد زنان چادر به سر کنند و دیگر

ممنوع کردن گوشت یخ‌زده.

بدین ترتیب با حکم امام خمینی آینده‌ی حقوق زنان و آزادی آن‌ها برای همیشه در جمهوری اسلامی روشن می‌شود. در این میان نه حزب توده‌ی ایران و نه سازمان چریک‌های فدایی خلق به این مسئله نپرداخته و در مورد آن سکوت کرده‌اند و تنها سازمان مجاهدین اطلاعیه زیر را صادر می‌کند.

سازمان مجاهدین در اعلامیه ۲۱ اسفند ۵۷ خود چنین می‌گوید:

خوشبختانه تا آنجا که ما می‌دانیم و مواضع اعلام شده کلیه مسئولین کشور و مقامات دولت‌های بازرگان

نیز مؤید آن است، هیچ مقام و نیروی مسئولی نیز قصد ندارد برای جامعه زنان ما کمترین اجبار و اشکالی

در این رابطه ایجاد کند و اگر هم برخی برخوردهای غیراصولی دیده شده باشد، از طرف عناصر ناآگاه و

احیاناً افراد مشکوک و عناصر ضدانقلاب اعمال و توطئه چینی شده است.

هم‌چنان که از متن این اعلامیه برمی‌آید نه دولت بازرگان و نه نیروهای انقلابی از ماهیت خواست‌های ارتجاعی هیئت حاکمه نامرئی باخبر نیستند؛ چون با تمام تکذیب‌ها مسئله‌ی «یا روسری یا تو سری» با کمال قدرت از طرف این نیروها دنبال

می‌شود و کسی هم یارای مقابله با آن را ندارد. از همه جالب‌تر این که دولت موقت هیچ گونه اطلاعیه‌ای در این مورد صادر نمی‌کند. بدین ترتیب هیئت حاکمه با دوچهره، یکی پیدا و یکی ناپیدا، با قدرت وارد عمل شده است.

موضع‌گیری سازمان‌ها و احزاب پس از برگزاری فراندوم «جمهوری اسلامی»

اطلاعیه ۱۵ فروردین ۵۸ حزب توده ایران

مردم ایران پیروزی بزرگی را که در طی نبردهای دشوار و خونین انقلابی کسب کرده‌اند، با رأی مثبت خویش در فراندوم تثبیت کردند. امام خمینی که نظر اکثریت شرکت‌کنندگان در فراندوم را منعکس می‌کند، پیروزی جمهوری اسلامی را در فراندوم غلبه مستضعفین بر مستکبرین اعلام می‌کند و خواستار آن است که آن چه از رژیم طاغوتی بر جای مانده، زیر و زبر شود.

در همین جا حزب توده حساب امام خمینی را از سایر رهبران هیئت حاکمه جدا می‌سازد و می‌گوید:

مقامات دولت موقت انقلابی اسلامی و عده‌ای از سایر رهبران انقلاب، انجام وعده‌های خود را معمولاً موکول به فرصت می‌کنند.

در صورتی که از نظر حزب امام خمینی نماینده و سخن‌گوی مردم و انقلاب است و انقلابی عمل می‌کند.

موضع‌گیری سازمان چریک‌های فدایی خلق در برابر برگزاری فراندوم

فراندوم در شرایطی که فضای غیر دموکراتیک بر کشور غالب بود، در شرایطی که رأی دهندگان و طرفداران آزادی و دموکراسی هیچ گونه اطلاعی از چارچوب قانون اساسی و ماهیت جمهوری اسلامی نداشتند، برگزار شد.

از قیام پیروزمند ۲۱ بهمن تا کنون مردم چشم انتظار اقداماتی انقلابی و تغییراتی اساسی بودند؛ ولی هنوز حداقل آنچه را که از انقلاب انتظار داشتند به دست نیاوردند.

موضع‌گیری سازمان مجاهدین خلق در برابر برگزاری فراندوم

حال نظر سازمان مجاهدین خلق را درباره‌ی تصویب «جمهوری اسلامی» می‌آوریم:

اینک که مردم ستم زده و داغدار ما با لبیک به رهبر انقلاب و با میلیون‌ها رای خود استقرار جمهوری اسلامی را تحقق بخشیدند، ما افتخار داریم که گرم‌ترین تبریکات را به عموم مردم جان بر کف و شخص «امام» و نیز پاک‌ترین درووها را بر شهدای به خون خفته خلق که در مسیر هموار کردن راه این پیروزی جان باختند، تقدیم کنیم»...

در این اطلاعیه به رهبری بی‌چون و چرای امام خمینی اعتراف شده و از آن تقدیر به عمل آمده است و مجاهدین معتقدند که در حکومت جمهوری اسلامی می‌توان به خواسته‌های انقلابی مردم پاسخ داد و نوع حکومت مانعی در راه احقاق حق مردم نیست.

پدر بزرگوار ما

برای همه‌ی آزادگان واژگونی کاخ ۲۵۰۰ ساله که تحت رهبری شما صورت گرفت، گام مهمی محسوب می‌شود که شایسته‌ی برپا کردن اصیل‌ترین جشن‌های مردمی است.

بدین ترتیب وجه مشترک نظریات حزب توده و سازمان مجاهدین عبارت می‌باشند از

۱. پذیرش رهبری بی‌چون و چرای امام خمینی
۲. پذیرش این نظریه که امام خمینی منعکس‌کننده‌ی خواسته‌های اقشار و طبقات زحمت‌کش ایران می‌باشد.
۳. این که نوع و شکل حکومت هیچ مانعی در احقاق حقوق مردم نیست.
۴. مسکوت گذاشتن محتوای واژه‌ی «جمهوری اسلامی» در مقابل آزادی‌های فردی و قومیت‌ها و احزاب و زنان و مطبوعات

ماهیت حکومت برآمده از انقلاب

ماهیت حکومت برآمده از انقلاب، سرمایه‌داری است. این حکومت موانع روابط سرمایه‌داری بین اقشار و طبقات و نهادهای اجتماعی است و بدین ترتیب خواسته‌های طبقه‌ی کارگر و توده‌های زحمت‌کش را در همان گام اول به دست فراموشی سپرده است. با کم شدن فشار از پایین، دست هیئت حاکمه در سرکوب و خاموشی زحمت‌کشان و نمایندگان آن‌ها به سرعت باز می‌شود. در انقلاب ۵۷ خواسته‌های عدالت‌خواهانه زحمت‌کشان بسیار پررنگ در رأس شعارهای انقلابی بود و دو ماه بعد از پیروزی انقلاب با اعتمادی که توده‌های زحمت‌کش به امام خمینی می‌نمایند از خیابان‌ها به سر کار خود باز می‌گردند و بازوی توانای انقلاب به وسیله‌ی وعده‌های فریب‌کارانه در جای خود میخ‌کوب می‌شود. سازمان‌های جوان انقلابی مانند مجاهدین و فدائیان، زمان لازم را برای بسیج و سازمان‌دهی کارگران ندارند و نیروی توده‌های زحمت‌کش مانند بنزینی شعله‌ور بود که در هوای آزاد هدر می‌رفت و هیچ سازمان و یا حزبی قادر به مهار آن نبود. حزب توده هم با معرفی امام خمینی به عنوان رهبری زحمت‌کشان و توده‌های مردم هیچ خطری در جهت از دست رفتن انقلاب ندارد و علاوه بر آن به خاطر نفوذ اندک خود قادر به انجام حرکت فعالی در احقاق حقوق زحمت‌کشان نیست و با مطرح کردن «خط امام» آب پاک‌ی را بر خواسته‌های دموکراتیک زحمت‌کشان می‌ریزد.

همچنان که امام خمینی اعلام کرد «بازار و بازاریان استوانه انقلاب می‌باشند»، بدین ترتیب سرمایه‌داری و به ویژه سرمایه‌داری دولتی هسته‌ی اصلی حکومت بوده و ماهیت آن را می‌سازد.

در فلسفه‌ی علمی ماهیت هر پدیده عبارت است از عمده‌ترین گرایشی که پدیده از خود نشان می‌دهد. گرایشی که از ابتدای تولد تا زمان مرگ در طی تکامل آن دیده می‌شود. ماهیت هر پدیده را می‌توان از نوع حرکت تضادهای درونی آن مشخص کرد. به طور مثال مارکس ماهیت اصلی جامعه‌ی سرمایه‌داری را «نباشت سرمایه» می‌داند که ناشی از تضاد بین کار و سرمایه و رابطه‌ی دیالکتیکی آن‌ها با هم است.

از نقطه نظر تئوریک نظریات لنین درباره‌ی دولت در کتاب «دولت و انقلاب» قابل توجه بسیار است.

دولت محصول و تجلی آشتی‌ناپذیری تضادهای طبقاتی است. [...] اگر آشتی طبقات ممکن بود [که مبشر آن دولت بازرگان و خود شخص بازرگان هستند] دولت نه می‌توانست پدید آید و نه پایدار بماند.

[...] طبق نظر مارکس، دولت ارگان سیادت طبقاتی، ارگان ستمگری یک طبقه بر طبقه‌ی دیگر و حاکی از ایجاد نظم است که این ستمگری را با تعدیل تضادات طبقات، قانونی و استوار می‌سازد.

امام خمینی برای پاسداری این رژیم و اعمال ستم طبقاتی فقه شیعه را مبدأ قرار می‌دهد که تمام ابزارهای لازم را برای نجات او دارد.

نظریه‌پردازان سازشکار و موانع سرمایه‌داری در نهان، در طول تاریخ نظریه‌ی «دولت ماوراء طبقات» را به میان می‌کشند و بدین ترتیب سیادت سرمایه‌داری را ممکن می‌سازند. انگلس در این باره چنین می‌گوید:

مفهوم نیرویی را که دولت نامیده می‌شود و نیرویی است که از درون جامعه بیرون آمده ولی خود را مافوق آن قرار دهد و بیش از پیش با آن بیگانه می‌شود بسط می‌دهد. این نیرو به طور عمده مرکب از چیست؟ مرکب از سازمان مسلح که زندان‌ها و غیره را در اختیار دارد.

نهضت آزادی و سایر سازمان‌های میانه‌رو در این مقطع حساس زمانی، برای خاموش ساختن شعله‌های سوسیالیستی انقلاب با شعار «در اسلام طبقه وجود ندارد» و «دولت مافوق طبقاتی» به میدان آمدند و تیغ به دست امام خمینی برای برقراری حکومت استبدادی دادند. لنین در این باره می‌نویسد:

دموکرات‌های خرده بورژوا که مشتی پندار خام را درباره‌ی سازش طبقات جایگزین مبارزه‌ی طبقاتی می‌کردند و اصطلاح سوسیالیستی را نیز به شیوه‌ای پندارمانند در مخیله‌ی خود مجسم می‌نمودند، یعنی نه به صورت برانداختن سیادت طبقه استثمارگر، بلکه به صورت تبعیت مسالمت‌آمیز اکثریت از اقلیت. این تخیل خرده بورژوازی که با قبول نظریه‌ی «دولت مافوق طبقاتی» رابطه‌ی ناگسستنی دارد، در عمل همیشه کار را به خیانت به منافع زحمت‌کشان کشانده است.

بدین ترتیب دولت بازرگان با شعارهای آزادی فردی و هیئت حاکمه نامرئی به رهبری امام خمینی با شعار دفاع از منافع مستضعفان، حکومتی ناشناخته را بر مردم ایران تحمیل می‌کنند.

آیندگان، سه شنبه ۱۴ فروردین ۵۸

مصاحبه با شاملو:

- نظرتان راجع به جمهوری اسلامی چیست و کلاً چه نو حکومتی برای این شرایط مساعد است؟
- متأسفم؛ هیچ کسی تا این ساعت برای من شرح نداده که جمهوری اسلامی چه نوع حکومتی است و امیدوارم از من قبول کنید که نمیشود درباره مفاهیمی که مصداقی برایشان وجود ندارد نظر داد. اما گفته اند که باید برای جمهوری رأی بدهیم و این کلمه وحشتناک «باید» نگرانم کرده است. من هیچ نوع حکومتی را نمی‌پذیرم.

- آینده جنبش ایران را با در نظر گرفتن تمامی جوانب چگونه می‌بینید؟

- من به آینده انقلاب ایران بسیار خوش بینم.

همان‌طور که تئوری‌های انقلابی می‌گفت اگر ماشین دولتی قدیمی در هم نشکند، انقلاب دست به دست شده و ماهیت سرمایه‌داری آن محفوظ و تثبیت می‌گردد. جمهوری اسلامی در عوض در هم شکستن ماشین دولتی قدیمی آن را حفظ

نمود و در تقویت دستگاه بروکراسی دولتی خود علاوه بر ماشین دولت قدیمی به ساختن موازی و مکمل این دستگاه پرداخت و این کار را با تشکیل سپاه پاسداران، دستگاه امنیتی جدید، دستگاه قضایی اسلامی و تشکیل شبه‌نظامیان (بسیج) پرداخت و بدین ترتیب با ماهیت سرمایه‌داری دولتی خود بنا بر گفته‌ی لنین که موجب مخوف‌ترین دستگاه دولتی در قرن بیستم و عصر امپریالیسم می‌شود؛ مخفوترین دستگاه حکومتی و دولتی را در قرن بیستم هم‌تراز با حکومت نازی‌ها در آلمان تأسیس کرد که با توجه به روبنای مذهبی آن هیچ کس در تاریخ چنین حکومت مخوفی ندیده است.

این حکومت سه دُمَل چرکین را در بطن خود پرورش می‌دهد که تا زمان مرگ آن برای علاج آن راهی وجود ندارد.

۱. نقض خواسته‌های زحمت‌کشان

۲. نقض آزادی‌های فردی و مطبوعاتی و حزبی و نقض حقوق زنان

۳. نقض حق حاکمیت اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران

این حکومت در سیاست خارجی با کوبیدن بر طبل استقلال زمینه‌ایزوله و منفرد کردن مردم ایران را از بقیه‌ی جهان برای احیای اسلام فراهم می‌آورد. این استقلال‌طلبی به هیچ روی در جهت حفظ منافع ملی ایران عمل نمی‌کند؛ بلکه هم‌چنان که امام خمینی گفت در جهت جدا شدن از فرهنگ و تمدن جهانی و بازگشت به دوران قرون وسطای اسلامی بوده و در جهت برافروختن پرچم اسلام شیعه در جهان است.

* * *

سرمایه‌داری که در طی انقلاب ضربات سهمگینی را متحمل شده بود و از ترس سوسیالیسم و خواسته‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در ترس و بیم دائم به سر می‌برد، کوتاه‌ترین راه را برای حفظ خود انتخاب می‌کند. کوتاه‌ترین راه برای سرمایه‌داری، تفویض تمام قدرت به خمینی با صرف نظر کردن از تمام آزادی‌های فردی، سیاسی و فرهنگی بود. این تفویض قدرت با مقاومت سازمان‌های انقلابی فدائیان و مجاهدین و روشنفکران ملی و مستقل روبه‌رو می‌شود اما به دلیل نداشتن تشکیلات منسجم کارگری، بهای گزافی را می‌پردازند و متحمل فاجعه‌ای باورنکردنی در تاریخ ایران می‌شوند. علاوه بر بورژوازی، اقشار خرده‌بورژوازی در تحکیم موقعیت رژیم شرکت می‌جویند و این کار با ایجاد سازمان‌های نظامی و بروکراتیک همچون کمیته‌ها، سپاه پاسداران، انواع و اقسام کمیته‌های امام و سربازگیری از میان آنان انجام می‌شود که موجب حرکت بی‌سابقه خرده‌بورژوازی دهقانی از روستا به سمت شهرها می‌شود. رشد سریع و وسیع این سازمان‌ها یکی از قدرتمندترین دولت‌های «سرمایه‌داری دولتی» را پدید می‌آورد. این سرمایه‌داری دولتی دوشادوش سرمایه‌داری داخلی از این پیاده نظام قدرتمند در حفظ و ارائه‌ی حیات خود سود می‌برد.

محتوای حکومت جمهوری اسلامی

نوع حکومت: نوع حکومت جمهوری اسلامی ترکیبی از میلیتاریسم و نظامی‌گری با مذهب می‌باشد.
ساختار حکومت: ساختارهای اصلی نظام عبارتند از نهادهای نظامی، مذهبی، اطلاعاتی، ساختارهای اقتصادی وابسته به حکومت و در صورت ظاهر یک حکومت پارلمانتاریسم کاذب.
ماهیت حکومت: استبداد فردی کامل در لباس و کسوت مذهب:

جمهوریت رژیم کاملاً جنبه‌ی کاذب داشته و طبق قوانین فاقد قدرت سیاسی و نظامی است.
نظام قضایی: دستگاه‌های قضایی و دادگاه‌ها دارای نظامی منبعث از فقه شیعه است.

تحولات اجتماعی حاکمیت، احزاب و گروه‌ها پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی

هیئت حاکمه پس از تثبیت «جمهوری اسلامی» حمله‌ی خود را به سازمان‌ها و احزاب سیاسی با حمله به ضعیف‌ترین حلقه‌ی آن یعنی «جبهه‌ی ملی» شروع می‌کند. این حمله با شعار «ملی‌گرایی شرک است» توسط امام خمینی به جبهه‌ی ملی شروع می‌شود. جبهه‌ی ملی دو نقطه ضعف اساسی در تاریخ انقلاب دارد. اول این که سنجایی در پاریس چک سفید امضاء تسلیم امام خمینی کرد و نقطه ضعف دوم قبول نخست وزیری از طرف بختیار بود. بدین ترتیب جبهه ملی که فاقد پشتوانه‌ی مردمی شده بود، مورد تهاجم ویران کننده‌ای قرار گرفت و سنجایی که مزدش را به صورت وزیر خارجه بودن در دولت موقت گرفته بود، متوجه موقعیت متزلزل خود می‌شود و در ۲۵ فروردین استعفای خود را به بازرگان تسلیم می‌نماید. هر چند با حمایت بازرگان چند مدت دیگر هم بر سر کار می‌ماند ولی به هر حال از قدرت سیاسی کشور حذف می‌شود.

آیندگان، ۲۹ فروردین ۵۸

سنجایی: استعفای من برای هشدار به دولت بود.

سنجایی: دولت‌های دیگری در برابر دولت اعمال حاکمیت می‌کنند.

بالاخره بازرگان و هیئت دولت او متوجه می‌شوند که هیئت حاکمه‌ی نامرئی به رهبری امام خمینی همه کاره است و دیگران هیچ قدرتی ندارند. به هر حال پس از ۱۵ روز از تصویب رفراندوم است که جبهه ملی از گردونه‌ی سیاسی ایران خارج می‌شود.

پس از تسویه حساب با جبهه ملی نوبت نهضت آزادی می‌شود. فرزندان آیت‌الله طالقانی دستگیر و شکنجه می‌شوند. دفاتر آیت‌الله طالقانی اشغال می‌شود. آیت‌الله طالقانی به اعتراض به قم می‌رود. تظاهرات میلیونی در حمایت از طالقانی برگزار می‌شود. آیت‌الله طالقانی با خمینی ملاقات می‌کند و پس از ملاقات پیام زیر را اعلام می‌دارد.

آیندگان، شنبه ۱ اردیبهشت ۵۸

پیام آیت‌الله طالقانی: رهبری قاطع آیت‌الله خمینی را پذیرفته‌ام. در مسائل اصولی رهبران دینی نمی‌توانند اضطراب داشته باشند. جز کمیته‌ها کی توانست تهران و سایر شهرها را حفظ کند؟ باید به دنیا نشان دهیم انقلاب ما به نفع محرومان در طریق محرومان است.

آیندگان، دوشنبه ۳ اردیبهشت ۵۸

آیت‌الله خمینی: این که می‌گویید روحانیت نباشد خیال خامی است. اگر آخوند نباشد کشور شما را از بین می‌برند.

بدین ترتیب تزلزل و نوسان در نمایندگان خرده بورژوازی دموکراتیک‌منش گردن نهضت آزادی را می‌گیرد. آیت‌الله طالقانی با اعلامیه‌ی خود ستون فقرات حکومت بازرگان و سازمان مجاهدین را در هم شکست. اکنون هیچ نیروی میانه‌رویی در مقابل حکومت فردی امام خمینی وجود ندارد و خواسته خمینی برای حکومت دینی مستبدانه کم‌کم آشکار و شفاف می‌شود. بدین ترتیب دومین نیروی سیاسی کشور یعنی نهضت آزادی را هم به تدریج از گردونه سیاسی خارج می‌کنند و احساس قرابت بازرگان و نهضت آزادی با خمینی تبدیل به خنجری می‌شود که از پیش سر بر آن‌ها فرود می‌آید. باید به زودی منتظر سقوط دولت بازرگان هم باشیم.

تا روز ۶ اردیبهشت‌ماه سازمان فدائیان هیچ گونه موضع‌گیری در مقابل استعفای سنجابی و مسائل آیت‌الله طالقانی انجام نمی‌دهد و تنها در سرمقاله می‌گوید «خطر اختناق جدی است».

موضع‌گیری سازمان مجاهدین نسبت به مسائل جدید

سازمان مجاهدین در اطلاعیه ۲۸ فروردین ۵۸ خواستار بازگشت آیت‌الله طالقانی به تهران و از سرگرفته شدن کار و خدمت کلیه‌ی دفاتر ایشان است. دادن جمیع اجتیاجات اجرایی لازم به دولت و منع دخالت‌های ناروا که دولت‌های متعددی را در کنار دولت «آقای مهندس بازرگان» ایجاد کرده است.

به این ترتیب سازمان مجاهدین هم به هیئت حاکمه نامرئی که صاحب قدرت اصلی است اعتراف می‌نماید و خطر اختناق را در حمله به آیت‌الله طالقانی و دولت بازرگان احساس می‌کند و تقریباً آن را قطعی می‌داند.

در این فاصله‌ی زمانی نه حزب توده و نه سازمان فدائیان راجع به برکناری رفسنجانی و موضع‌گیری بر علیه طالقانی و بازگشت وی به تهران و اعلامیه‌ی وی هیچ نوع واکنشی از خود نشان نمی‌دهند.

پس از فراندوم و در واقع از اول اردیبهشت‌ماه، مسائل قومیت‌ها به شکل فزاینده‌ای رشد می‌یابد و با خشونت بسیار همراه می‌گردد.

آیندگان، ۳۰ فروردین ۵۸

بحران سنندج شرت گرفت.

آیندگان، ۱ اردیبهشت ۵۸

حمله مسلحانه به اجتماع حزب دموکرات کردستان در نقده

قبول نتایج انتخابات سنندج بهتر از تجدید آن است

آیندگان، یکشنبه ۲ اردیبهشت ۵۸

وزیر کشور: ارتش در نقده وارد عمل می‌شود.
پیکارهای نقده دامنه یافت. دست کم سی تن کشته شدند.

آیندگان، دوشنبه ۳ اردیبهشت ۵۸

وزیر کشور: ارتش کنترل نقده را به دست گرفت.
وزیر کشور: طرفین درگیر توافق‌نامه‌ی آتش‌بس را اجرا نکردند.
اطلاعیه رهبر عشایر عرب خوزستان درباره‌ی عزیمت از ایران.
جبهه دموکراتیک ملی: از دولت می‌خواهیم جلو برادرکشی در کردستان و آذربایجان را بگیرد.

آیندگان، سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۵۸

آیت‌الله طالقانی مردم نقده را به صلح دعوت کرد.
صدها کرد در بیابان آواره‌اند.

آیندگان، چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۵۸

آرامش به نقده بازگشت. واحدهای ژاندارمری وارد نقده شدند.

موضع‌گیری دوباره‌ی حزب توده، سازمان فدائیان و مجاهدین نسبت به مسائل جدید مربوط به قومیت‌ها

روزنامه مردم، چهارشنبه ۱۹ فروردین ۵۸

مصاحبه مطبوعاتی رفیق نورالدین کیانوری: به همین جهت‌ها در تمام بیانیه‌ها و اظهاریه‌های حزب، از خطوط بسیار مثبت سمت‌گیری آیت‌الله خمینی کاملاً پشتیبانی کرده‌ایم.

روزنامه مردم، شنبه ۲۲ فروردین ۵۸

ولی در میان تلاش‌هایی که ضدانقلاب به کار می‌برد، مهم‌ترین آن و خطرناک‌ترین آن توطئه‌هایی است که برای تضعیف رهبری انقلاب - رهبری امام خمینی - صورت می‌گیرد.

روزنامه مردم، شنبه ۲۹ فروردین ۵۸

در بسیاری از برخوردهای ناگواری که در ماه‌های اخیر روی داده و منجر به خون‌ریزی و برادرکشی شده است، عمال سرسپرده‌ی رژیم سابق از همین بذر نفاق و تبعیض که قبلاً کاشته شده استفاده کرده‌اند.

یک ماه از جریان سرکوب مردم سنندج و هجوم ارتش به نقده به فرماندهی سرهنگ صیاد شیرازی و به توپ بستن مردم کردستان می‌گذرد. حزب توده به این که در یک ماه اخیر هیچ سخنی از وقایع کردستان نگفته و باز همان سخن خوشایند هیئت حاکمه را که «کار، کار عمل رژیم گذشته است» را به میان می‌آورد و نمی‌گوید ارتش به فرماندهی صیاد شیرازی از چه کسی حکم سرکوب مردم کرد را گرفته است. در یک ماه گذشته حزب توده حتی یک بار درباره‌ی اجرای توافق ۸ ماده‌ای دولت و مردم کرد سخنی نمی‌گوید. همان ۸ ماده‌ای که خود حزب آن را پیروزی انقلاب نامید و به دست نیروهای مسلح رژیم به کناری افکنده شد؛ و زمانی که مردم کردستان خواستار اجرای آن شدند، با گلوله‌ی توپهای سرهنگ صیاد شیرازی روبه‌رو شدند. رژیم به طور رسمی توافق ۸ ماده‌ای را کنار می‌گذارد (همان پیروزی انقلاب به گفته‌ی حزب توده) و حزب توده‌ی ایران واکنشی در مقابل آن و خلق کرد ندارد. زمانی نمی‌گذرد که این سیاست حزب به ضرر خود حزب دموکرات کردستان عمل کرده و موجب نفاق بزرگ‌تری در میان نیروهای انقلابی خواهد شد. در این یک ماه حزب توده همه چیز را رها کرده و خواستار پشتیبانی بی‌دریغ از امام خمینی شده است.

موضع‌گیری سازمانی فدائی در مقابل حوادث گنبد و سنندج و کردستان

کار شماره ۸، پنج‌شنبه ۶ اردیبهشت ۵۸

حقایق درباره‌ی حوادث گنبد: دشمنان خلق و عوامل ارتجاع و سرسپردگان بیگانه توطئه‌ای رکه که همواره در خیال تدارک دیده بودند سرانجام در گنبد به اجرا در آوردند. آن‌ها ضمن کشتار مردم و ایجاد اغتشاش و برادرکشی و جنگ داخلی، سازمان‌های مبارز و انقلابی را مسئول حوادث معرفی کردند و دست به تحریکات وسیعی علیه سازمان چریک‌های فدایی خلق زدند.

کار شماره ۹، پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ۵۸

کشتار نقده را چه کسانی پدید آوردند؟ مردم با نگرانی می‌پرسند چه کسانی رویدادهای سنندج، گنبد و نقده را به وجود آوردند؟ چرا توطئه‌گران و عاملان کشتار مردم افشا نمی‌شوند؟ چرا رادیو و تلویزیون اخبار این وقایع را دگرگون جلوه می‌دهند؟ چرا سخن‌گوی دولت دروغ می‌گوید؟ مردم می‌خواهند بدانند چه کسانی زیر پوشش کمیته‌ها به قتل و غارت مردم نقده پرداختند؟

بدین ترتیب موضع‌گیری انقلابی سازمان فدائیان در مقابل خواسته‌های خلق‌های ایران همچنان ادامه دارد. در همین شماره سازمان فدائیان نسبت به کشتار خلق عرب هم هشدار می‌دهد.

کار شماره ۹، پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ۵۸

کشتار خلق عرب خیانت به خلق‌هاست.

وقایع اخیر خوزستان که منجر به شهید شدن تعداد زیادی از هم‌میهنانمان شده است يك بار ديگر ثابت کرد

که نمی‌توان مسئله‌ی خلق‌ها را با توسل به زور و با برچسب‌های تحريك‌کننده و توطئه‌گرانه حل کرد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که سیاست کلی هیئت حاکمه سرکوب همه‌جانبه‌ی خلق‌های ایران است و این کار بدون

استثناء در مقابل تمام خلق‌ها چه کرد، چه ترکمن، چه عرب و چه بلوچ و غیره انجام می‌شود.

موضوع‌گیری سازمان مجاهدین در قبال مسائل اردیبهشت‌ماه، گنبد، سنندج، نقده و کردستان

هجوم به آزادی‌های فردی و مطبوعات و احزاب

آیندگان، سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۵۸

اعتراض به آیندگان و کیهان و خبرگزاری پارس در آبادان

آیندگان، ۱۸ فروردین ۵۸

دکتر مهدی سمسار، روزنامه‌نگار باسابقه، بازداشت شد.

آیندگان، دوشنبه ۲ فروردین ۵۸

اجتماع در دانشگاه تهران ممنوع شد.

آیندگان، شنبه ۱۶ اردیبهشت ۵۸

آقای نخست‌وزیر برای رفع تجاوز علنی به آزادی بیان چه می‌کنید؟

آیندگان، یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۵۸

موسی خیابانی: کوشش‌هایی می‌شود تا جنگ عظیمی به راه افتد.

ابوالحسن بنی‌صدر: پیروزی فاشیسم مساوی است با انهدام جامعه

آیندگان، دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۵۸

حسن شریعتمداری: اعمال محدودیت و فشار نمی‌تواند جایگزینب حث و استدلال شود.

وجود سانسور در رادیو و تلویزیون موجب اعتراض همه‌ی روشنفکران است.

آیندگان، چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۵۸

بازرگان: حاکمیت را باید به ملت برگردانیم.

انتقاد نهضت آزادی از دولت

چریک‌های فدائی: عوامل ارتجاع در رهبری رخنه کرده‌اند.

آیندگان، شنبه ۲۳ اردیبهشت ۵۸

آیا آیندگان باید منتشر شود؟

ادامه‌ی کار ممکن نیست. تا روشن شدن موضع دولت در برابر اصل آزادی مطبوعات و بیان که هدف اصلی انقلاب ما بود، این روزنامه به شکل همیشگی منتشر نخواهد شد.

آیندگان، دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۵۸

انتشار آیندگان ادامه می‌یابد.

تلگرام انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به بازرگان
کیهان: آزادی مطبوعات تحکیم قدرت دولت نیز هست.

آیندگان، پنجشنبه ۳ خرداد ۵۸

بحران در کیهان؛ هیئت تحریریه‌ی کیهان خواستار تشکیل مجمع عمومی روزنامه شد.

آیندگان، یکشنبه ۶ اردیبهشت ۵۸

استاندار گیلان اختناق و سانسور را در رادیو و تلویزیون محکوم کرد.

۱۳ روز از اعتصاب تحریریه‌ی کیهان می‌گذرد.

نامه‌ی سرگشاده‌ی اعضای هیئت تحریریه‌ی کیهان به کارگران و کارمندان دولت

آیندگان، سه‌شنبه ۸ خرداد ۵۸

دکتر متین دفتری: می‌ترسم پیش از اظهار نظر، سند قانون اساسی به ما تحمیل شود.

ناصر نیاچی: در لایحه‌ی مطبوعات آزادی کامل روزنامه‌ها منظور شده است.

آیندگان، یکشنبه ۱۳ خرداد ۵۸

شایعه انتشار روزنامه‌ی «کیهان آزاد»

آیندگان، دوشنبه ۱۴ خرداد ۵۸

پیش‌نویس لایحه‌ی جدید مطبوعات

حسن نزیه از نهضت آزادی از مدیریت شرکت نفت برکنار شد.

آیندگان، چهارشنبه ۱۶ خرداد ۵۸

مقدم مراغه‌ای: يك وقت چشم باز می‌کنیم و خواهیم دید که از آزادی مطبوعات خبری نیست.

آیندگان، دوشنبه ۲۱ خرداد ۵۸

سنجایی و لاهیچی خواستار تشکیل مجلس مؤسسان شدند.

تلگرام انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به وزیر ارشاد ملی: لایحه‌ی قانون مطبوعات مطلقاً مردود است.

آیندگان، سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۵۸

حاج مهدیان، تاجر معروف بازار مؤسسه‌ی کیهان را تحویل گرفت.

آیندگان، دوشنبه ۲۸ خرداد ۵۸

حسن صدر: ضروری‌ترین مسئله در قانون اساسی، آزادی مطبوعات و دیگر وسائل ارتباط جمعی است.

آیندگان، پنج‌شنبه ۲ تیر ۵۸

گردهمایی جبهه‌ی دموکراتیک ملی به سبب برخورد گروه‌های مخالف امکان برگزاری نیافت.

میناچی: قانون فعلی مطبوعات هنوز فسخ نشده است.

آیندگان، شنبه ۱۶ تیر ۵۸

یکی از مدیران با سابقه: کیهان غضب شده است.

آیندگان، چهارشنبه ۲۰ تیر ۵۸

قطب‌زاده: روزنامه‌ها برای بالابردن تیراژ مقالات ضد انقلاب اسلامی چاپ می‌کنند.

آیندگان، پنج‌شنبه ۲۱ تیر ۵۸

نامه‌ی سرگشاده‌ی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به نخست‌وزیر: به جای قانون تحدید مطبوعات منشور

آزادی مطبوعات را منتشر کنید.

مفسر رادیو ناگهان بر سانسور در رادیو و تلویزیون تاخت.

آیندگان، شنبه ۲۳ تیر ۵۸

تحریریه‌ی «زن روز» در اعتراض به سانسور دست از کار کشید.

نویسندگان اخراجی کیهان: بازگشت به کیهان را خدمت به سانسور و اختناق تلقی می‌کنیم.

آیندگان، یکشنبه ۲۴ تیر ۵۸

در راه پیمایی مریوان ۳۲ نفر کشته شدند.

آیندگان، پنجشنبه ۲۸ تیر ۵۸

آخرین هشدار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران درباره‌ی لایحه‌ی مطبوعات

آیندگان، چهارشنبه ۱۰ مرداد ۵۸

رادیو و تلویزیون با سازمان مجاهدین موضع مخالف دارد.

آیندگان، دوشنبه ۱۵ مرداد ۵۸

ابراهیم یزدی: متن پیام‌های مبادله شده میان کارتر و آیت‌الله خمینی فاش شد.

مدارك موجود هر؟؟ را به مخدوش بودن انتخابات واقف می‌سازد.

آیندگان، سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۵۸

با درج خبر فوق عمر يك نشریه‌ی مستقل و لیبرال به پایان می‌رسد. آیندگان تعطیل شد.

موضع‌گیری سازمان فدائیان در مقابل سلب آزادی از مطبوعات

روزنامه‌ی کار، پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۵۸، شماره ۱۱

سرمقاله: فشار و اختناق بر مطبوعات

امروز شاهد آنیم که آزادی مطبوعات و روزنامه‌ها، این خون‌بهای مبارزات مردم زحمت‌کش میهنمان علیه دیکتاتوری جنایت‌کاران و وابستگان امپریالیسم مورد تهاجم قرار گرفته و شدیداً مورد تهدید است و حرمت آزادی آن‌ها دست‌آویز بازی‌های کسانی که حرفی برای گفتن و جایی برای اظهار وجود دموکراتیک و آزاد ندارند قرار می‌گیرد.

روزنامه‌ی کار، پنجشنبه ۱۰ خرداد ۵۸

سرمقاله: فجایع تا کی ادامه خواهد یافت؟

آن‌ها از منطق وحشت دارند. آن‌ها از کتاب، روزنامه و نشر عقاید و اندیشه‌ها می‌ترسند.

روزنامه‌ی کار، پنج‌شنبه ۳۱ خرداد ۵۸

لایحه‌ی مطبوعات یا چماق دولت برای سلب آزادی‌ها؟

روزنامه‌ی کار، پنج‌شنبه ۱۸ مرداد ۵۸

سرکوب مطبوعات حمله به دست آوردهای انقلاب است.

خبر توقیف روزنامه‌ی آیندگان و حمله به تحریریه‌ی این روزنامه بیسانگر توطئه‌های ضد دموکراتیک و

سرکوب‌گرانه است که هدف آن حمله به دست آوردهای انقلاب می‌باشد.

البته از مدت‌ها پیش انتظار چنین اقداماتی از جانب دولت می‌رفت. تنها لازم بود تا لایحه‌ی مطبوعات به

تصویب برسد و موج سرکوب نشریات آزادی‌خواه شروع شود.

روزنامه‌ی کار، دوشنبه ۲۲ مرداد

حمله به آزادی مطبوعات، حمله به همه‌ی آزادی‌ها و حمله به ثمرات مبارزات مردم است.

بدین ترتیب سازمان فدائیان با حفظ مواضع انقلابی خود به شدت از آزادی مطبوعات و بیان دفاع می‌نماید و متوجه عواقب

تعطیل شدن روزنامه‌ی آیندگان می‌باشد و آن را مقدمه‌ای برای اختناق می‌داند.

موضع‌گیری حزب توده در مقابل توقیف روزنامه‌ی آیندگان

روزنامه‌ی مردم، ۲۷ مرداد

آیا آزادی مطلق و بی‌بند و بار و بدون مسئولیت در یکی از بغرنج‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های تاریخ

معاصر ایران مجاز است؟

تایید و ابراز خوشحالی از توقیف روزنامه‌ی آیندگان و توجیه کردن آن!

در این شرایط بحث‌های مشکوک و تیمترهای عظیم و تحریک‌آمیز برخی از جراید که دائماً و عاملاً حوادث را

کج و کوله می‌کنند، آیا بخشی از این عملیات ضدانقلاب نیست؟

نمی‌توان به حساب انقلاب شیوه‌ی لوکس «بگذار هر چه دلش می‌خواهد بنویسد» را مجاز شمرد.

برای آن‌ها (سازمان‌های انقلابی به جز حزب توده) دست آوردهای مثبت انقلاب در سیاست داخلی و

خارجی نتیجه‌ی «پویایی خود به خودی جنبش انقلابی» است ولی همه‌ی پدیده‌های منفی تقصیر رهبران

درجه اول انقلاب است.

ما جداً خواستار احترام به حقوق حقه‌ی مطبوعاتیم و ولی نمی‌توانیم درباره‌ی نقش نادرست و زیان‌مند بعضی از مطبوعات به قصد عوام‌فریبی سکوت کنیم.

نکات زیر از اعلامیه‌ی حزب توده قابل توجه است.

۱. خود را تنها دلسوز انقلاب می‌داند که در راه امام خمینی پیکار می‌کند
۲. مخالفت خود را با تیت‌رهایی که مربوط به کارهای زشت هیئت حاکمه است (مثل کشتار مردم در سننج و گنبد، حقوق زنان، یا روسری یا توسری، از میان برداشتن مجلس مؤسسان و ...) ابراز می‌نماید.
۳. حزب علناً با آزادی مطبوعات مخالف است و آن را تا جایی مجاز می‌داند که مطابق میل هیئت حاکمه باشد.
۴. حزب از نیروی انقلابی توده‌ها و فشار از پایین پاک خداحافظی می‌کند و دو دستی به هیئت حاکمه چسبیده و از آن دفاع می‌کند.
۵. حزب معتقد به «احترام به حقوق حقه‌ی مطبوعات» است نه آزادی مطبوعات
۶. حزب حاضر نیست بپذیرد که اختناق مطبوعات مقدمه‌ی اختناق و استبداد سیاسی است.
۷. حزب ارزشی برای جان‌فشانی مردم در انقلاب برای کسب آزادی بیان و نگارش قائل نیست.

در همین فاصله‌ی اردیبهشت تا مرداد ماه مسئله‌ی اساسی دیگر رژیم تشکیل مجلس مؤسسان بوده که ابتدا برای کم‌رنگ کردن آن، نام آن را به مجلس خبرگان تغییر می‌دهند که هدف از آن تمام مذهبی کردن آن بود.

هیئت حاکمه در جهت قانونمند کردن دولت و دولتمردان مورد نظر خویش است. در رفتارندوم توانست رأی اکثریت را برای مشروعیت خود به دست آورد و اکنون باید برای حکومت در صورت و در ظاهر ساختاری قانونی بتراشد و این ساختار قانونی در ظاهر می‌بایستی از طرف مجلس مؤسسان تدوین گردد. بالطبع در تمام جهان در هنگام تغییر حکومت، مرجع قانونی برای تعیین تکلیف وضع نهایی کشور بر عهده‌ی مجلس مؤسسان است. حال ببینیم هیئت حاکمه برای شانه خالی کردن از زیر این بار چه ترفندی ره به خرج می‌دهد. سازمان‌ها و دولت موقت سخن از قانون اساسی به میان می‌آورد و سازمان‌های انقلابی مفرّ خروج از بحران استبدادزدگی را در قانون اساسی می‌بینند و در این خیال هستند که با انتخاباتی آزاد نمایندگان مردم، مجلس مؤسسان را تشکیل دهند و مطابق منافع همه‌ی ملت ایران قانون اساسی را وضع کنند. بعد از سرکوب‌های اخیر چشم همه متوجه مجلس مؤسسان است.

آیندگان، ۱۷ تیر ۵۸

بحث در فرهنگ در حضور وزیر آموزش عالی به بحث درباره‌ی قانون اساسی کشیده شد. شرکت کنندگان به این نتیجه می‌رسند که بدون بحث و بررسی قانون اساسی نمی‌توان به مسائل فرهنگی کشور پاسخ داد.

آیندگان، ۱۸ تیر ۵۸

کانون نویسندگان: بهتر است دولت از هیچ دیدگاهی خود را شبان ملت نداند.

آیندگان، چهارشنبه ۲۰ تیر ۵۸

در پی صدور دستور نخست‌وزیر آیین‌نامه‌ی انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی منتشر شد.

آیندگان، شنبه ۲۳ مرداد ۵۸

جبهه‌ی دموکراتیک ملی از دولت خواست آزادی انتخابات و امنیت میتینگ‌ها را تضمین کند. اگر دولت آزادی انتخابات را تضمین نکند تصمیم‌های مجلس خبرگان مردود است.

بدین ترتیب هم نام مجلس مؤسسان به مجلس خبرگان تبدیل می‌شود.

آیندگان، سه‌شنبه ۲۶ تیر ۵۸

وزیر کشور از همه‌ی احزاب و سازمان‌ها خواست برای مجلس خبرگان نامزد معرفی کنند. صباغیان: نامزدان باید به جمهوری اسلامی معتقد و وفادار باشند.

آیندگان، شنبه ۳۰ تیر ۵۸

شایگان در رابطه با بزرگداشت ۳۵ تیر پیامی به ملت ایران فرستاد: فقط «مجلس مؤسسان» قانون اساسی را تصویب کند.

آیت‌الله العظمی خمینی به فرمانداران کشور: با عمل نشان دهیم که انتخابات ملی و آزاد است. این انتخابات باید در تاریخ نمونه باشد.

آیندگان، یکشنبه ۳۱ تیر ۵۸

آیت‌الله خمینی: اگر کاندیداهای شما غیراسلام باشند، شکست مفتضحانه خواهند خورد. آن روز که بفهمیم توطئه‌گران دست از لجاجت بر نمی‌دارند، یک روز فاتحه‌ی آن‌ها را می‌خوانیم. چریک‌های فدایی خلق نامزدان خود را برای مجلس خبرگان معرفی می‌کنند.

سخن‌گوی سازمان چریک‌های فدایی خلق در ادامه‌ی توضیحاتش درباره‌ی مجلس خبرگان و نقش رادیو و تلویزیون گفت: بنابراین مجلس خبرگان را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد.

۱. محدود کردن هر چه بیشتر حقوق مردم
۲. کاهش تعداد نمایندگان مجلس خبرگان

اگر بخواهیم مجلس خبرگان را مجسم کنیم، می‌بینیم که در واقع مانع آن شده‌اند که نیروهای مترقی در آن شرکت کنند. در این مجلس دو نیرو در برابر هم قرار می‌گیرند. یکی نیروهایی که به طور کامل استثمار را قبول دارند ولی می‌خواهند به آن شکل لیبرالی بدهند که شخص نمایندگان جبهه‌ی ملی از این قبیل‌اند.

نیروی دوم که نیروی قالب است اصلاً قانون را قبول ندارد و محصول کار خبرگان چیزی خواهد بود بدتر از پیش‌نویس قانون اساسی.

آیندگان، پنجشنبه ۴ مرداد ۵۸

جبهه‌ی دموکراتیک ملی در انتخابات شرکت نمی‌کند.
بی‌اعتنایی‌های مکرر به حقوق اساسی مردم گام زدم در راه آتش و خون است.
فروهر: نباید روی یک لیست انحصاری برای مجلس خبرگان پافشاری شود.

آیندگان، شنبه ۶ مرداد ۵۸

سنجایی: ترتیبات و اجرائیات این انتخابات غیرقابل اعتماد است.

آیندگان، یکشنبه ۷ مرداد ۵۸

نام سنجایی، رهبر جبهه ملی در میان نامزدها نیست.
سی‌گروه انقلابی از نامزدهای چریک‌های فدایی خلق پشتیبانی کردند.

آیندگان، دوشنبه ۸ مرداد ۵۸

حاج سید جوادی: این مجلس نه خبرگان است نه مؤسسان.

آیندگان، سه‌شنبه ۹ مرداد ۵۸

نزیه: اگر آزادی مبارزات انتخاباتی تأمین نشود کنار می‌روم.

آیندگان، چهارشنبه ۱۰ مرداد ۵۸

حزب جمهوری خلق مسلمان خواستار تعویق انتخابات شد.

آیندگان، پنجشنبه ۱۱ مرداد ۵۸

بررسی‌کنندگان قانون اساسی ایران فردا برگزیده خواهند شد.
دولت درخواست حزب جمهوری خلق مسلمان را نپذیرفت.
احتمال کناره‌گیری جبهه‌ی ملی از انتخابات قوت گرفت.

آیندگان، شنبه ۱۳ مرداد ۵۸

وزیر کشور: استقبال مردم از انتخابات به اندازه‌ی فراندوم نبود.
جاما، ساش، سازمان مجاهدین خلق: موارد نقض آزادی در انتخابات را به اطلاع مردم خواهیم رساند.

آیندگان، دوشنبه ۱۵ مرداد ۵۸

وزیر کشور: حزب جمهوری اسلامی با مؤتلفین خود اکثریت آراء را به دست آورد.
انتخابات کردستان از طرف جمعیت‌های سیاسی مردود اعلام شد.
در سراسر کردستان هزار رأی به صندوق‌ها ریخته شد.

آیندگان، سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۵۸

نزیه: انجام انتخابات بدین شکل به هیچ عنوان صلاح مملکت و ملت نیست.

موضع‌گیری سازمان فدائیان در مقابل قانون اساسی و انتخابات مجلس خبرگان

روزنامه‌ی کار شماره ۱۴، پنج‌شنبه ۱۷ خرداد ۵۸

بدون مجلس مؤسسان حقوق مردم پایمال می‌شود.

مردم مبارز ایران،

ما در این لحظه تاریخی هشدار می‌دهیم که کوشش‌های انحصارطلبانه‌ای در جریان است تا سندی پر از اشکال که هیچ‌گونه هماهنگی با محتوای ضدامپریالیستی و دموکراتیک انقلاب ما ندارد به نام قانون اساسی به ما تحمیل کنند.

روزنامه‌ی کار شماره ۱۹، پنج‌شنبه ۲۱ تیر ۵۸

تنها مجلس مؤسسان منتخب شوراهای مردم حقانیت دارد نه مجلس خبرگان.

می‌گویند تهیه‌ی قانون اساسی يك کار تخصصی است و نمی‌توان آن را به دست هر کسی سپرد و نتیجه می‌گیرند که بهتر است به جای مجلس مؤسسان مجلس «خبرگان» تشکیل شود.

روزنامه‌ی کار شماره ۲۱

چرا سازمان فدائیان در انتخابات مجلس خبرگان شرکت می‌کند؟

از طرف دیگر می‌بینیم که پیش‌نویس قانون اساسی که به عنوان طرح در مجلس خبرگان مورد بررسی قرار می‌گیرد حقوق و آزادی‌های مورد نظر توده‌ها و منافع آن‌ها را در نظر نگرفته است.

حال برای ما دو راه باقی می‌ماند؛ یکی عدم شرکت در فعالیت‌های انتخابات و تحریم آن و اکتفا به افشاگری است. راه دیگر شرکت فعال و آگاهانه در این زمینه است. ما راه دوم یعنی شرکت فعال و آگاهانه در انتخابات این مجمع را برگزیدیم.

در پیش‌نویس قانون اساسی: حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت خود نادیده گرفته شده است.

روزنامه‌ی کار شماره ۲۲، پنج‌شنبه ۴ مرداد ۵۸

سازمان چریک‌های فدایی کاندیداهای خود را برای انتخابات مجلس خبرگان معرفی کرد.

سرمقاله: چرا به جای مجلس مؤسسان، مجلس خبرگان را اختراع کردند؟

۱. هیئت حاکمه به جای آن که با ۷۰۰ نماینده روبه‌رو باشد با ۷۰ نماینده روبه‌رو می‌شود که کنترل

آن‌ها آسان‌تر است

۲. به ۷۰۰ نفر نماینده مملکت نمی‌توان اطمینان کرد.

۳. با چنین مجلسی هیئت حاکمه انتظار دارد که هر چه زودتر سر و ته قضیه‌ی قانون اساسی را بسه هم

آورد.

ما همان‌طور که گفته‌ایم به رغم همه‌ی این مسائل و به رغم آن که مجلس را مانعی برای تنظیم قانون اساسی نمی‌دانیم و کوچکترین اعتقادی به این که این مجلس می‌تواند سندی به نفع مردم ارائه دهد نداریم، اما از آن جا که وظیفه‌ی خود می‌دانیم از تمام امکانات استفاده کرده تا واقعیت را هر چه روشن‌تر برای مردم توضیح دهیم. لذا تصمیم گرفته‌ایم در این انتخابات شرکت کنیم.

با وجود روحیه‌ی انقلابی در سازمان و اعتقاد به حقوق زحمت‌کشان در این سازمان به نظر می‌رسد که رگه‌های مصالحه‌جویی در آن در حال رشد است.

روزنامه‌ی کار شماره ۲۳، دوشنبه ۸ مرداد ۵۸

پیش‌نویس قانون اساسی: آزادی‌های دموکراتیک را پایمال کرده است.

روزنامه‌ی کار شماره ۲۴، پنج‌شنبه ۱۱ مرداد ۵۸

نیروهای سیاسی با چه موضع و هدفی در انتخابات شرکت می‌کنند؟

سران حزب توده که پس از عقب‌نشینی و فرار مفتضحانه‌شان بعد از کودتای ۲۸ مرداد سبب تثبیت رژیم شاه و سرخوردگی توده‌ها به ویژه بی‌اعتباری پیشاهنگک در چشم توده‌ها شده بودند و عملاً به حیثیت و اعتبار

ایدئولوژی طبقه‌ی کارگر در جامعه‌ی ایران صدمات زیادی وارد ساخته بودند در جریان اصلاحات دروغین شاه که برای هموار شدن راه رشد سرمایه‌داری وابسته و به دستور امپریالیسم آمریکا صورت می‌پذیرفت، اصلاحات ارضی و انقلاب ضدانقلابی‌شان را تأیید کردند و آن را به عنوان گامی مثبت ستودند.

حزب توده امیدوار بود که با ستایش از بورژوازی وابسته و به بهای خیانت و دشمنی با جنبش خلق‌های ایران به طور اعم و جنبش طبقه‌ی کارگر به طور اخص، امتیاز اختصاصی اجازه‌ی فعالیت علنی از رژیم شاه را بگیرد. سران حزب توده امروز نیز مانند گذشته می‌خواهند به بهای خیانت به نیروهای انقلابی طبقه‌ی کارگر و با حمله به نیروهای دموکراتیک از بورژوازی امتیاز بگیرند.

روزنامه‌ی کار شماره ۲۵، دوشنبه ۱۵ مرداد ۵۸

نحوه‌ی برگزاری انتخابات مجلس خبرگان نیز گامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دموکراتیک زحمت‌کشان و خلق‌های ایران بود.

روزنامه‌ی کار شماره ۲۶، پنج‌شنبه ۱۸ مرداد ۵۸

چرا فقط کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤتلفین سر از صندوق در آوردند؟ اکنون که انتخابات مجلس خبرگان به پایان رسیده، معلوم شد که همین مجلس خبرگان طرحی بود برای کسب قدرت انحصاری تدوین قانون اساسی و جلوگیری از مداخله‌ی سایر نیروها.

موضع‌گیری حزب توده ایران در مقابل انتخابات مجلس مؤسسان (خبرگان)

روزنامه‌ی مردم شماره ۲۸، دوشنبه ۲۸ خرداد ۵۸

پیش‌نویس قانون اساسی جدید آغاز خوبی است برای تدارك و تصویب قانونی در خور انقلاب ایران. این اولین گروه و حزب سیاسی ایران است که نسبت به این پیش‌نویس اظهار تفقد می‌نماید و با حزب جمهوری اسلامی و هیئت نامرئی حاکمه به رهبری امام خمینی همراه می‌شود. (امام خمینی: برای به تعویق افتادن قانون اساسی توطئه می‌کنند.)

روزنامه‌ی مردم شماره ۲۹، چهارشنبه ۳۰ خرداد ۵۸

اصل داشتن قانون اساسی مترقی است نه شکل تصویب آن.

در این دو شماره حزب، بعد از تأیید محتوای قانون اساسی جدید حال به تأیید صورت و فرم و نحوه‌ی اجرای آن می‌پردازد.

روزنامه‌ی مردم شماره ۳۰، شنبه ۲ تیر ۵۸

نامه‌ی سرگشاده‌ی کمیته مرکزی حزب توده‌ی ایران درباره‌ی پیش‌نویس قانون اساسی به ریاست محترم هیئت دولت:

کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران خرسند است به استحضار عالی برساند که پیش‌نویس قانون اساسی آن چنان که در مطبوعات انتشار یافته در خطوط کلی خود خواست‌های مشروع و حقه‌ی مردم ایران را منعکس می‌سازد و از این جهت مورد تأیید کمیته‌ی مرکزی حزب ما قرار گرفته است.

روزنامه‌ی مردم شماره ۳۱، دوشنبه ۴ تیر ۵۸

ضرورت تصریح نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی
حزب توده‌ی ایران نخستین سازمان سیاسی است که درباره‌ی پیش‌نویس قانون اساسی اظهار نظر کرده.

روزنامه‌ی مردم شماره ۳۴، دوشنبه ۱۱ تیر ۵۸

برابری کامل زن و مرد در قانون اساسی باید تصریح شود.

روزنامه‌ی مردم شماره ۳۵، چهارشنبه ۱۳ تیر ۵۸

شیوه‌ی انتخاب نمایندگان مجلس و شوراها باید دموکراتیک باشد.

روزنامه‌ی مردم شماره ۴۵، شنبه ۶ مرداد ۵۸

حزب توده‌ی ایران اسامی نامزدهای خود برای انتخاب مجلس خبرگان را اعلام می‌کند.
در این لیست تقریباً تمامی اعضای کمیته مرکزی حزب توده‌ی ایران وجود دارند.

روزنامه‌ی مردم شماره ۴۶، شنبه ۱۳ خرداد ۵۸

میلیونها نفر در انتخابات شرکت کردند.

روزنامه‌ی مردم شماره ۵۲، دوشنبه ۲۳ مرداد ۵۸

اعلامیه‌ی کمیته مرکزی حزب توده‌ی ایران درباره‌ی انتخابات مجلس خبرگان
برای رفیق حجری مبارز پایداری که مقاومت ۲۵ ساله‌ی وی در زندان شاه خائن احترام اکثریت مبارزان حتی مخالفان حزب ما را به خود جلب کرده است تنها ۱۶ هزار رأی خوانده شده است.

بدین سان تردیدی نیست که بخش مهمی از لیست کامل کاندیداهای حزب توده‌ی ایران قرائت نشده و یا از بین برده شده است.

اینک مجلس خبرگان علی‌رغم عیوبی که در انتخابات آن وجود داشت تشکیل شده است.

مردم ایران باید این عیوب را به دست فراموشی بسپارند.

۱. چرا حزب توده پس از انتخابات نسبت به وقوع تقلب در آن هشداد نداد؟

۲. چرا به هر حال این انتخابات را سالم ارزیابی می‌کند و از مردم ایران می‌خواهد که از آن پشتیبانی کنند؟

۳. حال که تعداد آراء خوانده شده برای حزب کم بود، حزب به تقلب در انتخابات اشاره می‌کند ولی باز هم می‌گوید به دلیل پشتیبانی عظیم مردم از امام خمینی این مجلس به هر حال با این شکل به وجود نیامده است. حزب توده‌ی ایران دچار سیاست کوسه و ریش پهن شده است.

این سیاست حمایت بی قید و شرط حزب بعد از عقب‌نشینی در مقابل تهاجم به آزادی‌های فردی، قومی، مذهبی، مطبوعاتی و احزاب، اکنون به عقب‌نشینی از حقوق حقه‌ی مردم ایران تبدیل شده است. این آخرین خدمتی نیست که حزب توده برای جمهوری اسلامی انجام می‌دهد و حقوق ملت ایران را در پای امام خمینی قربانی می‌کند. این روند تسلیم‌طلبی و پشت کردن به منافع ملت ایران ادامه داشته و با پشتکار و جدیت بیشتری دنبال خواهد شد. اکنون سیاست‌های حزب در موارد زیر کاملاً آشکار می‌شود.

۱. حقوق زنان

۲. آزادی مطبوعات

۳. مسئله‌ی قومیت‌ها

۴. عقب‌نشینی از مارکسیسم و پناه گرفتن در زیر عبا‌ی آخوندها و روحانیون

۵. آزادی انتخابات

۶. حق تشکیل مجلس مؤسسان

در مهرماه ۱۳۵۸، هیئت حاکمه توانست تمام خواست‌های ضدانقلابی خود تحقق ببخشد. این کار را با اهرم‌های قانونی و تشکیلاتی به شرح زیر انجام داد.

۱. رفراندوم جمهوری اسلامی

۲. تشکیل مجلس خبرگان

۳. تشکیل دادگاه‌های انقلاب

۴. مبنا قرار دادن اسلام و شریعت در قانون اساسی

۵. حذف آزادی‌های زنان

۶. تصویب قانون مطبوعات و پایان آزادی مطبوعات

۷. تشکیل کمیته‌های انقلاب

۸. تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۹. پاک کردن هیئت دولت از عوامل ملی و مستقل

۱۰. سرکوب خواست‌های اقوام و ملیت‌ها به شکل خونین

۱۱. احیای ماشین دولتی گذشته

۱۲. کنترل کامل رادیو و تلویزیون

به همین ترتیب اکنون هیئت حاکمه هم مجوز قانونی و شرعی برای خود تهیه کرده است و هم تشکیلات سرکوب‌گر کمیته‌ها و سپاه و دادگاه انقلاب و تشکیل وزارت اطلاعات و سازمان‌های اطلاعاتی موازی.

اکنون هیئت حاکمه هدف‌های خود را در این راستا دنبال می‌کند:

۱. از بین بردن سازمان‌های انقلابی باقیمانده از انقلاب

۲. از بین بردن آزادی‌های حزبی و سیاسی

۳. برقراری حکومت استبدادی خودکامه با اصل ولایت فقیه

۴. با تسلط کامل بر رادیو و تلویزیون و مطبوعات سیطره‌ی اسلام ناب محمدی ۱۳۰۰ سال پیش را بر زندگی مردم متحقق می‌سازد.

۵. گام نهادن در جهت سیطره بر فرهنگ ملی و ایرانی

۶. کنترل دانشگاه‌ها و نهادهای علمی کشور

تمام این خواسته‌ها در زیر یک شعار عملی خواهد شد: «حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله»

به طور کلی در مهرماه ۵۸ رژیم به سه دستگاه پایه‌ای برای حکومت خود دست یافته است:

۱. قانون اساسی

۲. نیروهای مسلح

۳. قوه‌ی قضائیه

و اکنون وقت تسویه حساب با نیروهای مخالف است.

پس از تصویب قانون اساسی توسط مجلس خبرگان رژیم جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر بر پا شد.

۱. محتوای حکومت: سرمایه‌داری دولتی

۲. صورت حکومت: استبداد مذهبی فردی (ولایت فقیه)

۳. عوامل اجرایی صوری رژیم: جمهوریت و نظام پارلماناریسم

۴. کنترل بر نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری توسط نظارت استصوابی از طرف ولی فقیه

۵. تشکیل نیروهای نظامی و امنیتی (سپاه و بسیج)

۶. تشکیل قوه‌ی قضائیه زیر نظر ولایت فقیه (با کار بر اساس شریعت و فقه)

۷. حاکمیت به مسائل فرهنگی جامعه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب از طرف ولایت فقیه

۸. اعمال سیاست خارجی در جهت توسعه‌ی انقلاب اسلامی

۹. محدود کردن آزادی‌های فردی و مدنی

بدین ترتیب مردم ایران پس از این انقلاب شکوهمند و بزرگ تاریخی در بهمن‌ماه ۵۷، پای به سیاهچاله‌ی حکومت مذهبی قرون وسطی می‌گذارند که در آن هیچ امیدی برای تغییر در جهت بهبود زندگی مردم به ویژه زحمت‌کشان دیده نمی‌شود.

انقلاب ایران که می‌رفت درهای آزادی و عدالت اجتماعی و اقتصادی را به روی مردم ایران بگشاید، اکنون با تثبیت جمهوری اسلامی به دورانی سیاه‌تر از همیشه پای می‌گذارد و علاوه بر خودش و مردم ایران، مردم سرتاسر منطقه را هم به همان سیاهچاله می‌کشاند که خودش در آن گرفتار می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران همان راهی را می‌پیماید که مردم قرون وسطی در اروپا پیموده‌اند. در اروپا حاکمیت پاپ و کشیشان بود و اینجا حاکمیت امام و آخوند!

که رحمت بر آن ترب پاک باد
وز آنان امید بهی داشتن
به جیب اندرون مار پروردن است

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد
سر ناکسان را برافراشتن
سر رشته‌ی خویش گم کردن است